

تعدد زوجات

پرسش ۳۱. آیا در قرآن آیه‌ای وجود دارد که به مردان اجازه ازدواج با چند زن را داده باشد؟ شرایط آن چیست؟ آیا این قانون دست مردان هوسباز را باز نمی‌کند؟ حکمت این قانون چیست؟

جهت پاسخ به این پرسش باید دانست؛ قبل از اسلام برخی از مردم، دختران یتیم را جهت تکفل و سرپرستی به خانه خود می‌بردند و بعد با آنها ازدواج کرده و اموال آنها را هم تملک می‌کردند و چون همه کارها دست آنان بود حتی مهریه آنها را هم کمتر از معمول قرار می‌دادند و هنگامی که کمترین ناراحتی از آنها پیدا می‌کردند، به آسانی آنها را رها می‌ساختند. در این هنگام آیه نازل شد:

وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً^{۱۱۴}؛

«اگر می‌ترسید به هنگام ازدواج با دختران یتیم رعایت حق و عدالت را درباره حقوق زوجیت و اموال آنان ننمایید و به سراغ زنان دیگر بروید، از آنها دو نفر یا سه نفر یا چهار نفر به همسری خود انتخاب کنید اما اگر می‌ترسید عدالت را رعایت ننمایید تنها به یک همسر اکتفا کنید».

مقصود از عدالت در این آیه شریفه، یکسانی تمایلات قلبی و عواطف درونی نیست؛ بلکه منظور رعایت حقوق زناشویی و اقتصادی و نیز ابراز عواطف است. با این وجود باید توجه داشت:

۱. اصل در ازدواج همان طور که استاد شهید مطهری در کتاب نظام حقوق زن در اسلام خاطر نشان می‌سازد، تک‌همسری است و قانون چند همسری در شرایط معمول توصیه و ترغیب نشده است.

۲. قانون چند همسری و تعدد زوجات مقتضای آیات صریح قرآن است و نسخ نشده و از احکام جاودانی اسلام است. اصل در تمام احکام و قوانین، ابدیت و ماندگاری است مگر آنکه دلیل قطعی بر نسخ یا تغییر آن آورده شود.

۳. قانون تعدد زوجات، به خاطر شرایط خاص اجتماعی یا ضرورت‌های اجتماعی وضع شده است نه برای هوسرانی مردان. البته همیشه بعضی افراد وجود دارند که از قانون سوء استفاده می‌کنند، در چنین مواردی، باید جلوی سوء استفاده‌ها را گرفت و راهکار مناسب برای موارد ضروری ارائه کرد.

یک. پیشینه تعدد زوجات

چند همسری ریشه‌ای کهن در میان جوامع مختلف بشری و ادیان پیش از اسلام دارد^{۱۱۵}. بنابراین، ابتکار اسلام در این باره، این است که آن را محدود ساخت و شرایط سنگینی از جهت اخلاقی، اقتصادی و ... بر آن حاکم کرد

^{۱۱۴} (۱). نساء(۴)، آیه ۳.

^{۱۱۵} (۱)

و بدون تحقق آن شرایط، چند زنی را غیرمجاز اعلام نمود. تا این کار سبب تجاوز به حقوق زنان و اسباب هوسرانی مردان نگردد.

دو. چرایی چندهمسری

در رابطه با چرایی چندزنی، علل مختلفی ذکر شده^{۱۱۶} که به جهت اختصار به دو عامل اشاره می شود:

۱. فزونی زنان آماده ازدواج بر مردان

در طول تاریخ و در غالب جوامع به طور معمول تعداد زنان آماده ازدواج، از مردان افزون تر است.

آگبرن و نیم کوف می نویسند: «در سال ۱۸۰۵ در میان ۲۳۰۰۰ تن از سرخ پوستان «دشت های بزرگ» (

Great Plains

)، در برابر هر ۱۰۰ زن تنها ۴۴ مرد وجود داشتند»^{۱۱۷}.

«فرقه آمریکایی مورمون (Mormon) نیز که چند زن گیری را روا می داند، در گذشته بارها دچار کمبود مرد شده است. برای مثال در سال ۱۸۷۰ در بین مورمون های سه ناحیه از استان یوتا (Utah) ۹۵۶ زن در برابر ۸۵۴ مرد وجود داشت»^{۱۱۸}.

برتراند راسل می نویسد: «در انگلستان کنونی بیش از دو میلیون زن اضافه

بر مردان وجود دارد که برای ایشان محرومیت بزرگی است»^{۱۱۹}.

«براساس برخی از آمارهای منتشره، چندی پیش در روسیه، جمعیت زنان ۲۱ میلیون نفر بر مردان فزونی دارد»^{۱۲۰}. بنابراین تکیه بر «تک همسری»، باعث می شود در چنین شرایطی، همواره تعدادی از زنان از نعمت ازدواج محروم بمانند؛ در حالی که با جواز چند همسری، می توانند از داشتن شوهر و کانون خانواده و آثار مهم آن بهره مند گردند.

همواره بر اثر حوادث اجتماعی- مانند جنگ ها- تعداد بیشتری از مردان تلف می شوند و همسران آنان بی سرپرست می گردند. همچنین غالباً تصادفات، غرق شدن ها، سقوطها، زیر آوار ماندن ها و ... تلفات بیشتری را متوجه جنس مرد می کند. طبیعی است در این موارد، شمار زنان آماده به ازدواج بر مردان فزونی پذیرد.

«در اروپا در خلال سی سال جنگ و خونریزی در دو جنگ جهانی، مردان زیادی کشته شدند؛ به طوری که عدد مردان برای ازدواج با دوشیزگان و بیوه زنان کفایت نمی کرد. تنها در آلمان غربی شش میلیون زن وجود داشت که نمی توانستند شوهری برای خود پیدا

^{۱۱۶} (۱). جهت آگاهی بیشتر نگا: مطهری مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، صص ۲۹۵-۳۱۳، قم: صدرا، چاپ سی و پنجم ۱۳۸۲.

^{۱۱۷} (۲)

۱. W. F. Oghborn M. F. Ni mkuff , Sociology , Boston , 8591 , p . 585 .

(ق) .ح. آریانیپور، زمینه جامعه شناسی، (تهران، دهخدا، ۱۳۴۷)، ص ۳۳۱.

^{۱۱۸} (۳). Ibid . (نامه) ق)

^{۱۱۹} (۱). مطهری مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۳۱۸، به نقل از: برتراند، راسل، زناشویی و اخلاق، ص ۱۱۵.

^{۱۲۰} (۲). Why Polygamy Is Allowed In Islam , P . 62 .

کنند. برخی از آنان از دولت درخواست کردند قانون جواز چندهمسری را به تصویب رساند تا در پناه ازدواج قانونی، هم از امنیت اجتماعی و تأمین اقتصادی بهره‌مند شده و هم نیازهای غریزی آنان به طور سالم در کانون خانواده ارضا گردد. با مخالفت کلیسا چنین خواسته‌ای برآورده نشد، در نتیجه تأمین نیازها و ارضای غرایز،

بسیاری از آنان را به روسپی‌گری و روابط حاشیه خیابان‌ها کشاند»^{۱۲۱} و در پی آن فساد و بزهکاری در آلمان، به شدت رواج یافت.

مقاومت بیشتر زنان در برابر بیماری‌ها و عوامل هورمونی و ... موجب فزونی تعداد آنان در برابر مردان می‌شود. مطالعات مختلف نشان می‌دهد، جنس زن در دوران جنینی، کودکی و به ویژه دوره پیش از بلوغ، در برابر بیماری‌های عفونی مقاوم‌تر از جنس مرد است و شرایط نامناسب و رنج‌آوری همچون کمبود مواد غذایی و سوء تغذیه، پسران را بیش از دختران تحت تأثیر قرار می‌دهد، و در کل، مرگ و میر زنان نسبت به مردان در برابر بیماری‌ها کمتر است.^{۱۲۲}

نکته دیگر اینکه هورمون‌های مردانه، باعث بروز رفتارهای خشن، تهاجمی و جنگی می‌شوند که در نهایت به درگیری و صدمات بدنی و مرگ می‌انجامد.

در حالی که هورمون‌های زنانه، آرام‌بخش‌اند و رفتارهای صلح‌جویانه را تقویت می‌کنند. همچنین تستوسترون^{۱۲۳} (هورمون مردان) و استروژن‌ها^{۱۲۴} (هورمون‌های زنانه)، اثرات متفاوتی بر سطح کلسترول^{۱۲۵} و تعداد گلبول‌های قرمز خون (هماتوکریت)^{۱۲۶} مردان و زنان دارند و بر اثر همین اختلاف هورمونی بین زن و مرد و پیامدهای ثانوی ناشی از آن، نسبت مرگ و میر^{۱۲۷} مردان

در سن ۱۵-۲۵ سالگی حدود ۴-۵ برابر زنان در همین محدوده سنی است.

بنابراین هورمون‌ها و نقش متفاوت آنها در مرد و زن، یکی از عوامل مطرح در مرگ و میر و تفاوت طول عمر آنها است.^{۱۲۸} بلوغ جسمی و جنسی دختران، به طور معمول چندین سال پیش از پسران است و در طول زمان، همراه با رشد جمعیت بشری، باعث می‌شود که در جامعه تک همسرگرا، همواره انبوه کثیری از زنان با مشکل روبرو باشند.

۲. از نظر روان‌شناسی

تفاوتی اساسی بین ساختار روانی و گرایش‌ها و عواطف زن و مرد وجود دارد. برخی از دانشمندان مانند مرسیه^{۱۲۹}، ویل دورانت، اشمید، دونترلان، راسل لی و ... معتقدند: زنان به طور طبیعی «تک همسرگرا»^{۱۳۰} می‌باشند و به طور فطری از تنوع همسر گریزانند.

۱۲۱) .op.Ci T .P 42 .۱(۱)

۱۲۲) (۲). هادی حسینی و دیگران، کتاب زن، تهران: امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۸۱، صص ۱۱۵-۱۱۴؛ به نقل از اصول علم تغذیه، ص ۱۲۸.

۱۲۳) Testosterone .۲(۳)

۱۲۴) ..۳(۴)

۱۲۵) Chlostr ole .۴(۵)

۱۲۶) Hematocrite .۵(۶)

۱۲۷) Mortality .۶(۷)

۱۲۸) (۱). کتاب زن، صص ۱۱۷-۱۱۶.

۱۲۹) (۲)

آنان خواستار پناه یافتن زیر چتر حمایت عاطفی و عملی یک مرد می‌باشند. بنابراین تنوع‌گرایی در زنان، نوعی بیماری است؛ ولی مردان تنوع‌گرا و «چندزن‌گرا»^{۱۳۱} هستند.

دکتر اسکات^{۱۳۲} می‌گوید: «مرد اساساً چند همسرگرا است و توسعه تمدن، این چندهمسرگرایی طبیعی را توسعه بخشیده است»^{۱۳۳}.

البته این عامل از اهمیت عامل نخست برخوردار نیست. آنچه کاملاً باید جدی گرفته شود و برای آن چاره اندیشید، همان عامل نخست است.

سه. راه حل

در برابر این واقعیات، سه راه وجود دارد:

۱. همیشه تعدادی از زنان، در محرومیت کامل جنسی به سر برند! چنین چیزی فاقد توجیه منطقی است؛ زیرا به معنای سرکوب‌گریزه و نیاز طبیعی گروهی از انسان‌ها و نوعی ستم بر آنان است. افزون بر آن در سطح کلان و در طولانی مدت، شدنی نیست. به عبارت دیگر سرکوب‌گریزه، در نهایت به سرکشی و طغیان آن خواهد انجامید. تجربه آلمان و بسیاری از دیگر کشورهای غربی، شاهد این مدعا است.

استاد مطهری در این باره می‌نویسد: «اگر عدد زنان نیازمند بر مردان نیازمند، فزونی داشته باشد، منع تعدد زوجات خیانت به بشریت است؛ زیرا تنها پایمال کردن حقوق زن در میان نیست ... بحرانی که از این راه عارض اجتماع می‌شود، از هر بحران دیگر خطرناک‌تر است. همچنان که خانواده از هر کانون دیگر، مقدس‌تر است ... زنان محروم از خانواده نهایت کوشش را برای اغوای مرد- که قدمش در هیچ جا این اندازه لرزان و لغزان نیست- به کار خواهند برد و بدیهی است که «چو گل بسیار شد پیلان بلغزند» و متأسفانه از این «گل» مقدار کمی هم برای لغزیدن این پیل کافی است.

آیا مطلب به همین جا خاتمه پیدا می‌کند؟ خیر. نوبت به زنان خانه‌دار می‌رسد. زنانی که شوهران خود را در حال خیانت می‌بینند. آنها نیز به فکر

انتقام و خیانت می‌افتند و در خیانت دنباله‌رو مرد می‌شوند. نتیجه نهایی در گزارشی- که به «کینزی راپورت» مشهور شده- در یک جمله خلاصه شده است: «مردان و زنان آمریکایی در بی‌وفایی و خیانت، دست سایر ملل دنیا را از پشت بسته‌اند»^{۱۳۵}.

۱۳۰. Monogamous . ۲(۳)

۱۳۱. Polygamous . ۳(۴)

۱۳۲. G.R.Scott . ۴(۵)

۱۳۳ (۶)

۱۳۴. Why Polygamy Is Allowed In Islam, P. 52, Quoted From: **History Of Prostitution**, P.12

۱۳۵ (۷). جهت آگاهی بیشتر نگا: مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، صص ۳۲۷-۳۳۰.

۱۳۵ (۱). مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۳۳۴.

۲. گزینه دیگر این است که راه روابط نامشروع و روسپی گری و کمونیسم جنسی، گشوده و جامعه به فساد کشیده شود. این همان راهی است که عملاً غرب می پیماید: نتیجه این رفتار ناهنجار را می توان در گزارش دکتر اسکات- مأمور پزشکی شهرداری لندن- مشاهده کرد. در گزارش او آمده است:

«در لندن از هر ده کودکی که به دنیا آمده اند، یکی غیرمشروع است! تولدهای غیرقانونی در حال افزایش دائمی است و از ۳۳۸۳۸ نفر در سال ۱۹۵۷ به ۵۳۴۳۳ نفر در سال بعدی افزایش یافته است»^{۱۳۶}. البته این آمارهای پنجاه سال پیش است و در زمان معاصر رشد تصاعدی داشته است، چنان که یکی از بحران های مهم آمریکا را «بحران ابوت» می دانند و نسبت پدر و فرزندی بسیار گم شده است.

۳. راه سوم این است که به طور مشروع و قانون مند، با قیود و شرایطی عادلانه، راه چند همسری گشوده شود. دین مبین اسلام این راه را- که حکیمانه ترین و بهترین راه است- گشوده و اجازه چندزنی را به مردانی می دهد که توانایی کشیدن بار سنگین آن را به نحو عادلانه دارند و دستورات اکیدی

در این زمینه برای آنان وضع کرده است. این روش در واقع حقی برای زن و وظیفه ای بر دوش مرد ایجاد می کند و نه تنها به ضرر زنان نیست؛ بلکه بیشتر تأمین کننده مصالح و منافع آنان است.

برخی از شرایط و توصیه های اسلام در این باره، عبارت است از:

الف. رعایت محدودیت

اسلام گستره چندهمسری را محدود ساخته و تا چهار نفر تقلیل داده است.

قرآن مجید در این باره می فرماید:

فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعَ ...^{۱۳۷}؛

«با زنان پاک ازدواج کنید، دو یا سه یا چهار همسر ...».

ب. رعایت عدالت

قرآن مجید در اهمیت اصل عدالت در رابطه بین همسران می فرماید:

فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً^{۱۳۸}؛

«اگر بیم دارید که به عدالت رفتار نکنید، پس تنها یک همسر اختیار کنید».

^{۱۳۶} (۲). همان، ص ۳۲۴، به نقل از: اطلاعات، مورخه ۲۵ / ۹ / ۳۸، رویتر ۱۶ دسامبر، خبرگزاری فرانسه.

^{۱۳۷} (۱). نساء(۴)، آیه ۳.

^{۱۳۸} (۲). همان.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «کسی که دو زن داشته باشد و در تقسیم رابطه خود با همسر و تقسیم مالی بین آنها به عدالت رفتار نکند، روز قیامت- در حالی که دست هایش بسته و نیمی از بدنش به یک طرف کج شده است- آورده و به آتش داخل می شود»^{۱۳۹}.

استاد مطهری می نویسد: «اسلام برای شرط عدالت، آن قدر اهمیت قائل است که حتی اجازه نمی دهد مرد و زن دوم، در حین عقد توافق کنند که زن دوم در شرایطی نامساوی با زن اول زندگی کند؛ یعنی، از نظر اسلام رعایت عدالت تکلیفی است که مرد نمی تواند با قرار قبلی با زن، خود را از زیر بار مسئولیت آن خارج کند»^{۱۴۰}.

ج. تأمین مالی

از دیدگاه اسلام نفقه زوجه بر عهده مرد است؛ از این رو کسی که نمی تواند نیازمندی های همسران متعدد را تأمین کند، نباید به چندهمسری روی آورد.

د. تأمین عاطفی و جنسی

امام صادق علیه السلام فرموده است: «هر که آن قدر زن بگیرد که نتواند با آنها نزدیکی کند و در نتیجه آن، یکی از همسرانش مرتکب زنا شود، گناه این کار برگردن او است»^{۱۴۱}.

امتیاز راهکار اسلام

خانم بیزانت^{۱۴۲} می نویسد: «گفته می شود که در غرب تک همسری است؛ اما در واقع چندهمسری است بدون مسئولیت پذیری! همین که مرد از زن سیر شد، او را رها می کند. او نیز کم کم زن کنار خیابانی خواهد شد؛

زیرا نخستین عاشق دل داده اش هیچ مسئولیتی در برابر آینده او ندارد.

وضع زنی که به عنوان یک همسر و مادر، در خانه ای چندهمسری پناه گرفته، صد بار بهتر از این است. وقتی هزاران زن بدبخت را می بینیم که شبانگاه در خیابان های شهرهای غرب پرده می زنند، به یقین درمی یابیم که غرب نمی تواند اسلام را به جهت چندهمسری سرزنش کند. برای زن بسی بهتر، خوشبختانه تر و محترمانه تر است که در چندهمسری اسلامی زندگی کند و تنها با یک مرد اشتراک زندگی پیدا کند، فرزند قانونی خود را در آغوش گیرد و همه جا مورد تکریم و احترام باشد؛ تا اینکه هر روز توسط این و آن اغوا شود و احتمالاً با فرزندی نامشروع کنار خیابان رها گردد! نه تحت حمایت قانون باشد و نه پناهگاه و مراقبتی داشته باشد و هر شب قربانی هوس رهگذری گردد»^{۱۴۳}.

^{۱۳۹} (۳). محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۲۷۰، ح ۷۹۱۳.

^{۱۴۰} (۱). مرتضی مطهری، حقوق زن در اسلام، ص ۴۱۸.

^{۱۴۱} (۲). میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۲۷۲، ح ۱۷۹۱۵.

^{۱۴۲} (۳). Annie Besant.

^{۱۴۳} (۱)

آیزاک تایلور^{۱۴۴} - در سخنرانی خود درباره «محمدیسم»^{۱۴۵} در کنگره کلیسا در «ولورهامپتون»^{۱۴۶} - اعلام کرد: «چندهمسری نظام یافته و محدود سرزمین های اسلامی، بی نهایت بهتر است از چندهمسری لجام گسیخته ای که نکبت جوامع مسیحی است و نمونه آن اصلاً در اسلام شناخته شده نیست»^{۱۴۷}.

روحانی مسیحی اودوتولا^{۱۴۸} - در کنفرانسی در تورنتو^{۱۴۹} - اظهار داشت:

«غرب با ممنوعیت چند همسری، منافقانه عمل می کند؛ چرا که با طلاق های مکرر همان را [در طول زمان] عملی می سازد».

بنابراین تک همسری غرب، چیزی جز چند همسرگرایی بی ضابطه و مسئولیت گریزانه نیست. اما چه نیکوست این اعتراف غربی ها را هم بخوانیم که اسلام، در قالب چند همسری بهنجار خود، عملاً تک همسری را حفظ نموده است.

رابرت ا. هیوم می نویسد: «... برخی از محققان معقول نشان می دهند که [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله روی هم رفته موقعیت زنان را ارتقا بخشید و به آنها مرتبه ای از آزادی اقتصادی داد که هنوز در پاره ای از کشورهای غربی و یا به اصطلاح مسیحی تا آن حد به زنان، آزادی اقتصادی داده نشده است و برای چندهمسری نامحدود - که تا آن زمان به دلخواه انجام می شد - حد و مرزی مقرر داشت که بسیار لازم و نافع بود.

رسم دخترکشی را - که در عربستان آن روز کاملاً رواج داشت - به کلی برانداخت و بالاخره اینکه حکم تعدد زوجات را تنها در صورتی مجاز دانست که شوهر، بتواند با تمامی همسران خود با عدالت کامل رفتار کند. او عملاً تک همسری را رواج داد»^{۱۵۰}.

استاد مطهری در این باره می نویسد: «تعجب می کنید اگر بگویم تعدد

زوجات در مشرق زمین، مهم ترین عامل برای نجات تک همسری است.

مجاز بودن تعدد زوجة، بزرگ ترین عامل نجات تک همسری است ...

در شرایطی که موجبات این کار فراهم می شود و عدد زنان نیازمند به ازدواج فزونی می گیرد؛ اگر حق تأهل این عده به رسمیت شناخته نشود و به مردان واجد شرایط اخلاقی، مالی و جسمی، اجازه چند همسری داده نشود؛ دوست بازی و معشوقه گیری، ریشه تک همسری را می خشکاند»^{۱۵۱}.

در اینجا ممکن است سؤالی دیگر پدید آید و آن اینکه چرا چند شوهری مجاز نیست؟ جواب آن است که:

^{۱۴۴} Rev. Canon Issac Taylor LL.D. ۲(۲).

^{۱۴۵} ۳(۳).

^{۱۴۶} (Wolverhampton, On 7th October, 7881. ۴(۴).

^{۱۴۷} ۵(۵).

^{۱۴۸} The Times, London, Saturday, 8th Oct. 7881. Quoted in: Wily ۵.

^{۱۴۹} Polygamy Is Allowed in Islam, PP. 53-6.

^{۱۴۸} Rev. Odotulla. ۱(۱).

^{۱۴۹} ۲(۲).

^{۱۵۰} ۳(۳). رابرت ا. هیوم، ادیان زنده جهان، ترجمه: دکتر عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۷۷، ص ۳۰۶.

^{۱۵۱} ۱(۱). مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۳۳۰.

۱. عمده ترین علت چند زنی - که فزونی تعداد زنان آماده به ازدواج بر مردان است - به طور معمول در مورد چند شوهری وجود ندارد.

۲. این خلاف طبیعت و روحیات زن بوده و او به طور طبیعی از آن گریزان است. شاید به همین علت است که در طول تاریخ بشر، چند شوهری رواج چندانی نیافته و اگر هم در جایی (مانند قبیله «تودا» یا برخی از قبایل «تبت») مشاهده شده، پدیده‌ای بسیار استثنایی است.^{۱۵۲}

البته همه آنچه گفتیم حکمت‌های این قضیه است اما تمام علت مؤثر در این حکم را نمی‌دانیم. اما همین قدر که از حکمت و اسرار نهفته در این حکم می‌بینیم و با واقعیات خارجی تطبیق می‌کنیم این حکم را بسیار حکیمانه می‌دانیم.

عدالت مردان

پرسش ۳۲. تعدّد همسر مشروط به عدالت مردان است. مردان تا به عدالت کامل و واقعی برسند، باید مسیر طولانی را طی کنند. ولی آنان بی‌آنکه واجد این شرط باشند همسران متعددی می‌گزینند. آیا اسلام برای جلوگیری از این عمل راه حلی دارد؟ در اسلام تعدّد زوجات مشروط به تحقق عدالت است.

فَأُنكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً^{۱۵۳}؛

«بر آنچه پاک باشد برای شما از زنان دو تا و سه تا و چهار تا و اگر ترسیدید که دادگری نکنید پس یکی را به نکاح خویش در آورید».

منظور از عدالتی که شرط تعدّد زوجات است عدالت در رفتار می‌باشد.

البته عدالت در تمایلات قلبی و گرایش‌های احساسی نوع متعالی از عدالت است که دسترسی به آن مشکل است.

خداوند متعال، ضمن اشاره به دست نایافتنی بودن این نوع عدالت، به عدالت در رفتار توصیه فرموده است:

وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ^{۱۵۴}؛

«شما هرگز نمی‌توانید (از نظر محبت قلبی) در میان زنان، عدالت برقرار

کنید، هر چند کوشش نمایید! ولی حال که نمی‌توانید تمایل قلبی خود را عادلانه سازید، پس حداقل تمایل خود را به کلی متوجه یک طرف نسازید که دیگری را به صورت زنی که شوهرش را از دست داده در آورید (عدالت رفتاری را رعایت کنید)».

^{۱۵۲} (۲). ر. ک: همان، ص ۲۸۶.

^{۱۵۳} (۱). نساء (۴)، آیه ۳.

^{۱۵۴} (۲). نساء (۴)، آیه ۱۲۹.

پس منظور از عدالت یک مقام دست نیافتنی نیست که به خاطر آن بتوان همه مردان را از ازدواج مجدد برحذر داشت. حفظ عدالت در نفقه، اظهار تمایل، رفت و آمد، حضور در منزل، مسکن، بخشش و هدیه، معاشرت و ... از مصادیق اصل عدالت در رفتار است که بایستی توسط مرد مراعات شود.^{۱۵۵} اما اینکه چه مکانیسم و یا ضمانت اجرایی در مورد مردانی که عدالت در رفتار را مراعات نمی کنند پیش بینی شده است می توان به چند نمونه اشاره نمود:

۱. تحقیق و دقت زن و خانواده زن در ازدواج دختر (ساز و کار پیشگیرانه)

در بسیاری از روایات به شدت توصیه می شود که نسبت به مردانی که قصد همسری با آنان را دارید تحقیق کنید تا بهترین و متدین ترین آنان را برای ازدواج برگزینید. بی شک انتخاب شایسته خانمها زمینه کشمکش های بعدی را از بین خواهد برد.

۲. شرط ضمن عقد

قرار دادن شروط ضمن عقد توسط همسر روش دیگری است که خانمها می توانند با آن از عواقب سوء احتمالی ناشی از چند همسری جلوگیری کنند.

۳. ضمانت اجرای حکومتی

در بعضی از مصادیق بی عدالتی مانند عدم تأمین معاش و نفقه و ... نسبت به همسر، حاکم حق الزام مرد و یا حتی طلاق زن بدون رضایت شوهر را دارد.

۴. ضمانت اجرای معنوی و اخلاقی

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مورد رعایت عدالت بین همسران می فرماید: «هرکس دو زن داشته باشد و میان آنها به عدالت رفتار نکند و به یکی از آنها بیش از دیگری ابراز تمایل نماید در روز قیامت محشور خواهد شد در حالی که یک طرف بدن خود را به زمین می کشد تا سرانجام داخل جهنم شود»^{۱۵۶}.

اهمیت حفظ عدالت بین همسران تاحدی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بیماری در آستانه رحلت نیز دستور می دادند که بستر بیماری شان را هر شب در منزل همسری که نوبت او بود بگسترانند و امیرالمؤمنین علیه السلام حتی در خانه همسری که نوبت او نبود وضو هم نمی گرفتند.^{۱۵۷}

۵. استفاده از ضمانت اجراهای عرفی

ریش سفیدی، حکمیت و استفاده از نفوذ بزرگان و آشنایان نقش مؤثری در این زمینه می تواند باشد.

۶. اخلاق همسراری

^{۱۵۵} (۱) ر. ک: تفسیر نمونه: ج ۴، ص ۱۵۵.

^{۱۵۶} (۱) بحار الأنوار، ج ۷، ص ۲۱۴.

^{۱۵۷} (۲) محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۲، ص ۴۰۱.

مراعات تکالیف شرعی و اخلاقی گرمابخش کانون خانواده و بهترین ضمانت اجرایی برای هدایت شوهر به سوی رفتار عادلانه قلمداد می‌گردد.

به عبارت دیگر یکی از عوامل روی آوردن به تعدد زوجات، ناسازگاری و بداخلاقی زن در خانواده و عدم رعایت حقوق شوهر در منزل است، لذا توصیه زنان به رعایت اخلاق و احترام شوهر چنانکه در روایات به مثابه جهاد در راه خدا دانسته شده است «جهاد المرأة حسن التبعل»^{۱۵۸} به این جهت است که هم کانون خانواده گرم باشد و هم زمینه چندهمسری و خانه‌گریزی ایجاد نشود.

تعدد شوهر

پرسش ۳۳. اکنون با توجه به پیشرفت علم و تشخیص نسب، چرا تعدد همسر برای مرد وجود دارد ولی برای زن جایز نیست؟ و آیا با پیشرفت دانش پزشکی بهانه‌ای به نام غیرت مردها باقی خواهد ماند؟

ازدواج و تشکیل خانواده دارای مصلحت و کارکردهای فراوانی است که روابط جنسی و ارضای شهوت یکی از کارکردهای ازدواج است.

ارضای غریزه جنسی در حقیقت یک سوق‌دهنده و محرک برای رسیدن به اهداف اصلی ازدواج که همان تولید نسل، تشکیل خانواده، تربیت نسل، تکامل فردی و اجتماعی و ... می‌باشد. از طرفی ممنوعیت تعدد شوهر به لحاظ حکمت‌ها و دلایل متعددی است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌نماییم:

۱. اقتضای طبیعی

یکی از مهم‌ترین حکمت‌هایی که می‌توان برای ممنوعیت تعدد شوهر نام برد اقتضای طبیعی و طبع زن و غیرت و طبیعت مرد است که از چنین امری روی گردان است. پیشرفت علم و صنعت نه تنها منکر این حقیقت نیست بلکه پژوهش تجربی در حوزه علم روانشناسی آن را ثابت کرده است.^{۱۵۹} غیرت مرد نسبت به همسر و مادر بر اساس خلقت و طبیعت او و مطابق با مصلحت انسان است. این مسأله امری اعتباری نیست تا بتوان با رشد علم و دانش با آن مخالفت و برخلاف مقتضای آن رفتار نمود. این در حالی است که از نظر روانی تفاوتی اساسی بین ساختار روانی و گرایش‌ها و عواطف زن و مرد وجود دارد.

روانشناسان معتقدند که زنان به طور طبیعی «تک شوهرگرا»^{۱۶۰} می‌باشند و به طور فطری از تنوع همسر گریزانند، و خواستار پناه یافتن زیر چتر حمایت عاطفی یک مرد می‌باشند و تنوع‌گرایی در زنان نوعی بیماری است؛ ولی مردان به طور معمول تنوع‌گرا می‌باشند.^{۱۶۱} چنان که می‌دانید احکام اسلام همه متناسب با نیازهای واقعی و ویژگی‌ها و خصلت‌های ذاتی انسان‌ها وضع گردیده است. حساسیت زنان نسبت به چندهمسری شوهرشان بیشتر ناشی از حس تمامیت خواهی و حسادت و ...

^{۱۵۸} (۱). مستدرک، ج ۱۳، باب ۵۴، ج ۲.

^{۱۵۹} (۱). زمینه روانشناسی هیلگارد، ج ۱، فصل ۱۰ ص ۶۹۲.

^{۱۶۰} (۲). Monoandrous.

^{۱۶۱} (۳). ر. ک: زمینه روانشناسی هیلگارد، ج ۱، فصل ۱۰.

است؛ یعنی این حساسیت، ذاتی زنان نیست؛ مردی که همسر دوم برمی‌گزیند در واقع همسر اولش حساسیت نشان داده و مخالفت می‌کند اما همسر دوم که

او هم زن است چنین حساسیتی را ندارد یعنی زنان برای جلوگیری از ورود زنی دیگر به زندگیشان حساس‌اند اما نسبت به ورود خود در زندگی دیگران حساس نیستند. پس باید ریشه این مخالفت را جستجو کرد و آن را که معمولاً بخل و خودبینی و تمامیت‌خواهی است درمان نمود.

۲. حکمت بهداشتی

بی‌شک ارتباط جنسی می‌تواند زمینه مناسب برای شکل‌گیری بیماری‌ها و عفونت‌های مختلف و انتقال آن را فراهم آورد این احتمال در ارتباطات متعدد جنسی بیشتر و خطرناک‌تر است. در این میان زن به لحاظ ساختار جسمی و فیزیکی (داشتن رحم که محل تجمع ترشحات زن و مرد است) و هم به خاطر فعل و انفعالات طبیعی رحمی (حیض و نفاس و ...) قابلیت بیشتری برای دریافت، و انتقال بیماری‌ها و عفونت‌ها را دارد.^{۱۶۲}

۳. مصلحت حفظ نسل

تک‌همسری در مورد زن نوعی جلوگیری از مخلوط شدن نطفه‌ها در رحم زن و جلوگیری از آسیب‌های حقوقی، روانی، عاطفی و تربیتی در مورد نسل است. با تک‌همسری اگر فرزندی متولد شد، به طور یقین مشخص می‌شود که مربوط به چه کسی است و در نتیجه وضعیت محارم و تکالیف پدر و بستگان از جهت ارث، نفقه، ازدواج و ... معلوم می‌شود.

این مطلب که با پیشرفت علوم ژنتیک و پزشکی و ... امکان تشخیص فرزند

در رحم یا نسب فرزند وجود دارد نیز نمی‌تواند مجوز چند همسری زنان باشد چرا که؛

اولاً، مسأله تشخیص نسب یکی از حکمت‌های ممنوعیت چند همسری زنان است نه علت تامه آن.

ثانیاً، تشخیص پزشکی و علمی اموری خطاپذیر بوده که همواره امکان خطا در مورد آن می‌رود.

ثالثاً، علوم تجربی با تمام پیشرفت خود امکان اثبات بی‌ضرر بودن رابطه متعدد جنسی زن را برای جنین شوهر اول یا دوم ندارد.

۴. مصلحت اعضای خانواده

خانواده اجتماعی کوچک است که زیربنای اصلی تعالی فرد و اجتماع بشر را تشکیل می‌دهد از این رو اهمیت بسزایی در اندیشه اسلامی دارد و از ساز و کار ظریف و پیچیده‌ای تبعیت می‌کند که تمام جوانب مصالح فردی و خانوادگی و اجتماعی اعم از مصالح دنیوی و اخروی در آن لحاظ شده است.

تربیت و پرورش فرزندان و زمینه سعادت و شقاوت دنیوی و اخروی آنها در خانواده شکل می‌گیرد.

^{۱۶۲} (۱). برای مطالعه بیشتر ر. ک: جانت شیبلی هاید، روان شناسی زنان، ترجمه: دکتر اکرم خمسه، ص ۳۴۷.

از طرف دیگر تقسیم کار ویژه‌ای برای اعضای خانواده در نظر گرفته شده است که در ضمن آن وظایف و اختیاراتی برای پدر و مادر پیش‌بینی شده است. تعدد شوهر ضمن آنکه نقض‌کننده حقوق و اختیارات اوست در تربیت و تعالی روحی و روانی و تربیتی فرزندان تأثیر منفی بسزایی خواهد داشت.^{۱۶۳}

موانع تعدد زوجات

پرسش ۳۴. چه راهکارهایی وجود دارد که زن می‌تواند شوهر را از انتخاب همسر دیگر باز دارد؟

زن به هنگام عقد ازدواج به هر شکلی که بخواهد می‌تواند این مسئله را با شوهر شرط کند و در سند ازدواج ثبت نماید. راه دیگر، دخالت حکومت اسلامی است. یعنی دولت می‌تواند بر اساس مصالح اجتماعی این قانون را وضع نماید که شوهر بدون اجازه همسر اول حق ازدواج با دیگری را ندارد، هم اکنون نیز این مسئله در قالب شرط ضمن‌العقد در سندهای ازدواج گنجانده شده است. اما نکته مهم‌تر این است که:

اولاً، زن و شوهر هر دو تربیت دینی شوند تا به حدود و حقوق یکدیگر تعدی نکنند و بوالهوسی را کنار گذارند و از این راه کانون گرم خانواده را متلاطم نکنند. البته اگر تربیت دینی شوند با تعدد همسران که احیاناً در بعضی از شرایط پیش بیاید، نه مرد از روی طغیان و هوس، حقوق زن اول را پایمال می‌کند و زمینه بدبینی و کینه‌توزی همسر اول را ایجاد می‌کند و نه همسر اول به حکم خدا و رسول صلی الله علیه و آله اعتراض می‌کند. بیشتر اعتراض‌ها به عدم رعایت حقوق است به اینکه: «نو که بیاید به بازار کهنه شود دل آزار». اما اگر همسر اول کهنه محسوب نشود و با رعایت عدالت، او همان همسر محبوب و برخوردار از حقوق باشد، مشکل جدی پیش نخواهد آمد. البته این سخن به معنای ترغیب

مردان به چندهمسری نیست. به نظر ما، اصل بر تک همسری است، اما برخی شرایط و مقتضیات ایجاب می‌کند که این قانون اجرا شود.

ثانیاً، همسران باید با رعایت وظایف همسری، در رفتار خود، فروتن و فرمان‌بردار باشند و در زندگی خصوصی و زناشویی خود به آرایش و خوشبوکردن خود برای همسر و تمکین و ... اهمیت بدهند تا زمینه‌ساز بداخلاقی شوهران فراهم نشود؛ یعنی در واقع با رعایت حقوق مردان از یک سو و رعایت اخلاق و حسن و معاشرت از سوی دیگر و نیز حریم گرفتن از نامحرمان، زمینه تمایل مردان به ازدواج مجدد را کاهش دهند.

زنان پیامبر صلی الله علیه و آله

^{۱۶۳} (۱). برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر. ک:

الف. شهید مطهری، نظام حقوق زن در اسلام؛

ب. جوادی آملی، زن در آینه جلال و جمال؛

ج. علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۴؛

د. سید محمدحسین فضل‌الله، اسلام، زن و جستاری تازه، ص ۲۶۴، قم، دفتر تبلیغات اسلامی؛

ه. فریده مصطفوی، زن از منظر اسلام، ص ۸۴، چ اول، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۸۲.

پرسش ۳۵. چرا خداوند برای پیامبر در مورد زن گرفتن محدودیتی قائل نشده ولی برای سایر افراد عادی محدودیت قائل شده؟

تعداد همسران پیامبر از اختصاصات حکم الهی برای پیامبرش بوده است.

تعداد همسران پیامبر که «امّهات المؤمنین» به حساب می آیند، یازده تن می باشند به این ترتیب: خدیجه علیها السلام، سوده، عایشه، حفصه، زینب دختر خزیمه، ام سلمه، زینب دختر جحش، جویریّه، صفیه، ام حبیبه و میمونیه.^{۱۶۴} درباره اهداف پیامبر اسلام از این ازدواج ها شایسته است به دیدگاه و اظهار نظر بعضی محققین توجه شود:

الف. علامه طباطبایی در این مورد می گوید: ازدواج های آن حضرت، هر کدام روش خاصی را داشت. نخستین همسر آن حضرت خدیجه علیها السلام است. پیامبر اولین بار با او ازدواج کرد و بیش از بیست سال با او زندگی کرد و غیر از او با کسی ازدواج نکرد. پس از وفات خدیجه علیها السلام و پس از هجرت به مدینه، زنان دیگری را به همسری انتخاب کرد. برخی از این زنان بیوه بودند، برخی جوان و برخی پیر بودند. معلوم است که این روش، روش شهوت رانان نیست. آن حضرت با ام سلمه که هجرت او و زینب پنجاه ساله ازدواج کرد، آن حضرت همسران خود را از زیادخواهی و دنیا طلبی منع نموده می فرمود در غیر این صورت طلاق بگیرند. با این حساب، انسان محقق دورانندیش نمی تواند برای آن حضرت، انگیزه های شهوانی در نظر بگیرد.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله برخی از همسران را برای قدرتمند شدن اسلام و مسلمین، بعضی ها را برای دلجویی آنان، بعضی ها را برای حفظ از خطرات جانی، بعضی ها را برای تأمین زندگی آنان و بعضی ها را برای بیان حلال و حرام خدا به همسری انتخاب کرد. به عنوان مثال، ازدواج حضرت با سوده بود.

سوده از زنان پیشگام در ایمان به رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. او به حبشه هجرت کرده بود و شوهرش پس از رجوع از حبشه، مُرد. سوده، زنی بود مؤمن و خویشانش هم کافر بودند. اگر او را به خویشان تحویل می داد، او را می کشتند و یا گمراه می ساختند. برای آنکه این زن مؤمن بیوه بی پناه از این خطرات محفوظ بماند، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با او ازدواج کرد و با این ازدواج سوده نجات یافت.

زینب دختر خزیمه، از زنان مؤمن بود. در جنگ احد شوهرش به شهادت رسید و رسول خدا صلی الله علیه و آله با او ازدواج کرد تا بی سرپرست نباشد.

ام سلمه هم شوهرش درگذشت و دارای چند یتیم بود، پیامبر صلی الله علیه و آله با او ازدواج کرد و به این ترتیب مشکل ام سلمه حل شد.

صفیه دختر حیی بن احطب یهودی بود. شوهرش در جنگ خیبر و پدرش در جنگ بنی قریظه کشته شد و خودش هم اسیر شد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله او را برای خود انتخاب کرد و آزاد ساخت و پس از آزاد ساختن به عنوان همسر انتخاب کرد و به این ترتیب دختر رئیس یهود را از ذلت رها کرد.

^{۱۶۴} (۱) دکتر موسی شاهین لاشین، ازواج النبی صلی الله علیه و آله، چاپ ریاض، چاپ اول، ص ۲۱؛ سیره ابن هشام، ص ۲۹۷، چاپ مصر، ۱۳۵۵ ه. ق.

جویریة دختر رئیس طایفه بنی مصطلق بود. رئیس، دخترش و تعداد زیادی از افرادش اسیر شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله جویریة را به همسری انتخاب کرد و مسلمانان گفتند: حال که این طایفه، فامیل پیامبر ما شدند، ما همه شان را آزاد می کنیم و بنی مصطلق هم که چنین دیدند، همه مسلمان شدند.

میمونه، ام حبیبه و حفصه هم شوهرانشان مرده بودند و پیامبر با ازدواج با اینها، آنان را نجات می داد. فقط عایشه در میان اینها شوهر نداشت.

با توجه به این خصوصیات و با توجه به خصوصیات روحی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به هیچ عنوان نمی توان گفت که ازدواج های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مانند ازدواج های متعارف بوده است.^{۱۶۵}

ب. در نظر عده ای از پژوهشگران ازدواج های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای چند هدف بوده است:

۱. محافظت از یتیمان، درماندگان و حفظ آبروی آنان مانند ازدواج با سوده.

۲. وضع قانون و شکستن سنت غلط جاهلی مانند ازدواج با زینب دختر جحش که رسول خدا صلی الله علیه و آله به فرمان خدا پس از آنکه زید او را طلاق داد، او را به همسری

انتخاب کرد تا مردم بدانند که زن پسر خوانده، مانند زن پسر نیست، و می توان با زن پسر خوانده ازدواج کرد، گرچه در زمان جاهلیت، ازدواج با زن پسر خوانده ممنوع بود.

۳. آزادسازی اسیران و بردگان مانند ازدواج با جویریة، که مسلمانان به خاطر خویشاوندی بنی مصطلق با پیامبر، همه اسیران را آزاد کردند و بنی مصطلق هم با مشاهده این وضعیت، مسلمان شدند.

۴. برقراری پیوند با قبایل و طوایف بزرگ عرب و حفظ اسلام و مسلمین مانند ازدواج با عایشه، حفصه، ام حبیبه، صفیه و میمونه.^{۱۶۶}

ج. جان دیون پورت انگلیسی می گوید: با اینکه در آن زمان، زیاد زن گرفتن کار بدی نبود، ولی با این حال حضرت محمد صلی الله علیه و آله تا پنجاه سالگی با یک زن زندگی کرد و تا خدیجه علیها السلام زنده بود، زن دیگری نگرفت. آیا ممکن است کسی شهوتران باشد و هیچ مانعی هم برای زن گرفتن در کار نباشد، با این حال با یک زن زندگی کند آن هم با زنی که سن بالایی داشته باشد؟!^{۱۶۷}

د. توماس کارلایل می گوید: به رغم اظهار نظر دشمنان، حضرت محمد صلی الله علیه و آله هرگز شهوت پرست نبود و این تهمت، بی انصافی است.^{۱۶۸}

ه. گیورگیو می گوید: محمد صلی الله علیه و آله در سال ۵۹۵ میلادی ازدواج کرد و زندگی خانوادگی او نمونه زهد، تقوی و پاکی بود. او همانند ابراهیم، نوح و یعقوب علیهم السلام در محیطی ساده و بی آرایش زندگی می کرد.^{۱۶۹} ۱۷۰.

^{۱۶۵} (۱). ر. ک: المیزان، ج ۴، ص ۱۹۵، چاپ دوم، بیروت، ۱۹۷۴، در ذیل آیه ۲ تا ۶ سوره نساء.

^{۱۶۶} (۱). نگرشی کوتاه به زندگی پیامبر اسلام، ص ۲۹، چاپ پنجم، مؤسسه در راه حق.

^{۱۶۷} (۲). عقیقی بخشایشی، همسران پیامبر، ص ۷۸، چاپ قبل از انقلاب، قم: دارالتبلیغ اسلامی، ۱۳۵۲.

^{۱۶۸} (۳). همان.

تک‌همسری حضرت فاطمه علیها السلام

پرسش ۳۶. آیا پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام تا زمانی که حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در قید حیات بودند همسر دیگری هم داشتند؟

اگر پاسخ منفی است آیا این خود دلیل بر آزار و ناراحتی زنان در صورت چندهمسری مردان نیست؟

در این باره گفتنی است؛ در آموزه‌های اسلامی مهم‌ترین ویژگی در ازدواج «هم‌تایی» و «کفو» یکدیگر بودن زن و شوهر است که توافق در دین اسلام پایه آن است و به هر مقدار سازگاری فرهنگی و رفتاری بیشتر باشد، پیوند ازدواج شکل مطلوب خود را بهتر خواهد یافت. اصل دیگر در استحکام نظام خانواده؛ وفاداری و گزینه تک‌همسری است. مگر آنکه مشکل خانوادگی پیش آید و یا مصالح اجتماعی دیگری، ازدواج مجدد را توجیه کند.

در خصوص ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام و ازدواج امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام به عنوان بانوان ممتاز و خانواده نمونه، دلیل و انگیزه‌هایی را برای ازدواج مجدد پیش نمی‌آورد.

علاقه شدید پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه علیها السلام و نیز محبت ویژه خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله به گونه‌ای بود که خدیجه علیها السلام تمام دارایی خویش را برای نشر اسلام در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داد و در حالی که خود از ثروتمندترین زنان عرب بود اما در پی تحریم اقتصادی، گرسنگی و تنگناهای طاقت فرسای شعب ابی طالب

جان سپرد و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز آنچنان علاقه‌ای به خدیجه علیها السلام داشت و در برابر ایمان و ایثار خدیجه علیها السلام، سپاس‌گزار وی بود که وقتی حضرت زهرا علیها السلام به دنیا آمد، دخترش را هم نام مادر خدیجه علیها السلام که فاطمه بود نام نهاد (در حالی که نام مادر پیامبر صلی الله علیه و آله آمنه بود) و پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خواست تا بدین ترتیب از آن همه زحمات و فداکاری‌های این بانوی فداکار تقدیر و تشکر نموده و علاقه واقعی خویش را به وی بنمایاند.

اما بعد از خدیجه علیها السلام، با توجه به شرایط خاص جامعه و نیز عدم وجود زنی مانند خدیجه علیها السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج‌های متعددی نمود و همسرانی داشت که اگر چه بعضاً زنان خوبی بودند اما هیچ یک دارای ویژگی‌های ممتاز خدیجه علیها السلام نبودند.

علاوه بر اینکه عمده ازدواج‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله یا برای جلب قلوب مردم از طریق پیوند با بزرگان قوم بود و یا برای جلب پشتیبانی آنها و برخوردار شدن از حمایت آنان در برابر دشمنان و یا حداقل بازدارندگی دشمنی آنان و قوم و قبیله آنان نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و همه اینها زمانی بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله توانست نظام اسلامی را در مدینه مستقر سازد و بالطبع دوستان و دشمنانی پیدا کرد، چنانکه بعضی از ازدواج‌ها برای در پناه قرار دادن بیوه‌زنانی بود که شوهر خود را در راه دین خدا از دست دادند و نیاز به حامی داشتند.

^{۱۶۹} (۴). همان ص ۸۲، نویسنده رومانی (۱۹۱۶ تولد) در اثر معروف خود: محمد پیامبری که از نو باید شناخت.
^{۱۷۰} (۵). برای آگاهی بیشتر ر. ک: سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، ج ۴، ص ۶۸، چاپ جامعه مدرسین.

درباره علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیهما السلام نیز باید گفت که وضعیت این دو معصوم نیز مانند پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام و حتی می توان ادعا کرد که بالاتر بود به گونه ای که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام می فرمود: سه چیز به تو عطا شده که به من نشده است:

«اول اینکه داماد شخصی مانند من هستی (داماد پیامبر هستی)، همسری مانند فاطمه داری و فرزندان چو حسن و حسین علیهما السلام»^{۱۷۱}.

شخصیت حضرت زهرا علیها السلام آن قدر والا و ارزشمند بود که حتی صحابه، به علی علیه السلام به خاطر ازدواج او با فاطمه علیها السلام غبطه می خوردند. بنابراین زن و شوهری چون علی و فاطمه علیهما السلام که به فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله «اگر خداوند فاطمه را خلق نمی کرد بر روی زمین از آدم به بعد، برای علی کفو و همتایی نبود»^{۱۷۲}.

بدیهی است که مردی چون علی علیه السلام با داشتن همسری چون فاطمه علیها السلام که دستور ازدواج آنان به امر الهی بوده است همسر دیگری اختیار نکند و این دو گوهر ممتاز خلقت در کنار هم باشند و دل در گرو هم داشته باشند اما بعد از فاطمه علیها السلام بقیه همسران علی علیه السلام اگر چه خوب بودند اما هیچ کدام مانند فاطمه علیها السلام نبودند و جای فاطمه را برای علی علیه السلام پر نکردند. از این رو علی علیه السلام نیز مانند پیامبر صلی الله علیه و آله پس از همسر اولش که بی نظیر بود، تعدد زوجات اختیار کرد.

بنابراین از مجموع آنچه که در پاسخ به این پرسش بیان شد می توان چنین نتیجه گرفت که اصل بر «تک همسری» است و در اسلام تعدد زوجات با حفظ قیود و شرایط مجاز دانسته شده است یعنی به خاطر اضطرار و ضرورت های اجتماعی و یا اینکه این نوع ازدواج می تواند آثار مثبتی داشته باشد همانگونه که تعدد ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز ازدواج های متعدد علی علیه السلام و دیگر معصومین علیهم السلام از این رو بوده است.

ازدواج موقت

ماهیت ازدواج موقت

پرسش ۳۷. ماهیت ازدواج موقت چیست؟

همان گونه که می دانید ازدواج پیوندی است میان زن و مرد که بر پایه آن رابطه زناشویی شکل می گیرد و مجموعه ای از تکالیف و حقوق شرعی و قانونی، بر آنها حاکم می گردد اما این قرارداد بر دو قسم است:

۱. پیوند دائم که بر اساس آن، خانواده ای تشکیل می شود و به عنوان یک بنیاد پایدار اجتماعی به شمار می آید.

^{۱۷۱} (۱). بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۷۷.

^{۱۷۲} (۲). وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۷۴.

۲. پیوند موقت، که از آن در فرهنگ اسلامی به ازدواج موقت تعبیر می‌شود که بر پایه آن رابطه زناشویی موقتی با مدت و مهریه مشخص، پدید می‌آید و تفاوت آن با ازدواج دائم، در این است که گذشته از محدود بودن مدت، ارث و نفقه برای زن در بر ندارد، مگر آنکه خود او شرط کرده باشد.

عدم آگاهی از تعریف صحیح نکاح موقت و ماهیت آن، موجب اشکالات بی‌پایه‌ای شده است گاهی توهم شده که متعه چیزی غیر از نکاح و شبیه زنا می‌باشد. در حالی که شک نداریم که نکاح موقت یا متعه قسمی از نکاح است.

چنان که حضرت امام خمینی (ره) می‌گوید: «النکاح علی قسمین: دائم و منقطع، و کل منهما یحتاج الی عقد مشتمل علی ایجاب و قبول لفظی دالین علی إنشاء المعنی المقصود و الرضایة ... فلا یکفی مجرد الرضا القلبی من الطرفين و لا المعاطاة الجاریة فی غالب المعاملات ...»^{۱۷۳}؛ «نکاح بر دو قسم است: دائم و موقت، هر کدام از آنها نیازمند عقدی است که مشتمل بر ایجاب و قبول لفظی بوده و بر رضایت طرفین و اراده آنان دلالت معتبری داشته باشد، صرف رضایت دو طرف و حتی معاطات (بده و بستان و معامله عملی بدون قرارداد در قالب الفاظ خاص) کافی نیست».

بنابراین ازدواج موقت به صرف رضایت طرفین قابل تحقق نیست، بلکه احتیاج به عقد و قرارداد شرعی و قانونی دارد، همانند ازدواج دائم، و صرف رضایت طرفین مشروعیت‌آور نیست، زیرا همه معاملات حلال و حرام می‌تواند بر اساس رضایت طرفین انجام شود حتی ربا، رشوه و زنا و لواط و ...

ممکن است با رضایت طرفین باشد، اما نامشروع است زیرا تجاوز به حریم الهی و عاری از هر گونه مبنای قانونی است، بنابراین ازدواج موقت ماهیت شرعی و قانونی داشته و تفاوت اساسی با زنا دارد، چون ازدواج موقت بر اساس مجوز و قرارداد شرعی مبتنی بوده که شکل‌دهی رابطه را به رضایت طرفین می‌افزاید. در حالی که تنها زنا به رضایت طرفین و گاهی بدون رضایت استوار است، و رابطه‌ای است نامشروع که ادیان الهی و حتی بسیاری از کشورهای متمدن آن را به رسمیت نشناخته، و فرزند متولد از این رابطه را نامشروع خطاب می‌کنند و نتیجه آن جز بیماری، افسردگی، فساد، تباهی و ...

نیست. زیرا زنا تابع هیچ‌یک از مقررات مربوط به وضع فرزندان و روابط خانوادگی و نظام انسانی و اخلاقی نمی‌باشد، بلکه حالتی است حیوانی که زن خود را در معرض فروش و ناهنجاری‌های جنسی قرار می‌دهد، با این اوصاف آیا امکان دارد ازدواج موقت را تشبیه به زنا نماییم؟! ازدواج موقت، نوعی نکاح و قراردادی است که در آن زن و مرد به عنوان زن و شوهر و بدون احساس گناه، هر چند موقتی اقدام به رابطه جنسی می‌کنند این قرارداد زناشویی به طرفین اطمینان می‌دهد که رابطه‌شان پاک و مشروع و تابع نظام و مقررات شرعی و قانونی باشد و همانند نکاح دائم دارای آثار و احکام می‌باشد، از این رو هرگز قابل مقایسه با زنا نیست.

برای آشنایی بیشتر با ماهیت و آثار ازدواج موقت جنبه‌های مشترک بین آن و ازدواج دائم را به صورت خلاصه بیان می‌داریم:

۱. شرایط نکاح: ازدواج موقت نیز نوعی ازدواج بوده و احتیاج به صیغه و عقد دارد، که باید دارای شرایط و با لفظ صریح «أنکحت» و «زوجت» و «متعت» باشد و تعیین زوجین و مهر و اختیار و بلوغ در آن شرط شده است.

همان‌گونه که در نکاح دائم نیز همه این شرایط لازم است.

^{۱۷۳} (۱). تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۲۳.

۲. **إذن ولی:** به عقیده بسیاری از فقهاء اذن ولی در عقد باکره لازم است و از این جهت فرقی بین نکاح دائم و موقت نیست.

۳. **احکام فرزند:** تمام احکام فرزند ناشی از عقد دائم، در نکاح موقت نیز جاری است، از حیث محرمیت، ارث، نفقه، حضانت و ولایت.

۴. **عده:** همان گونه که در عقد دائم عده واجب است در عقد موقت نیز واجب می باشد، منتهی عده عقد موقت کوتاه تر از عده عقد دائم است.

اما تفاوت هایی که عقد موقت با دائم دارند و نشان دهنده امتیاز و سهولت عقد موقت نسبت به دائم می باشد عبارتند از:

۱. عقد دائم از جهت زمان محدودیتی ندارد، ولی عقد موقت از نظر زمانی وابسته به توافق طرفین است.

۲. در عقد دائم نفقه همسر بر مرد واجب است، ولی در عقد موقت چنین نیست.

۳. برخلاف عقد دائم، در عقد موقت زن و شوهر از همدیگر ارث نمی برند.

۴. در عقد دائم زن و شوهر بدون رضایت یکدیگر نمی توانند از بارداری جلوگیری کنند اما در عقد موقت می توانند.

۵. در ازدواج دائم زن حق هم خوابی دارد ولی در عقد موقت زن می تواند شرط کند که نزدیکی واقع نشود و هم خوابگی بستگی به توافق طرفین دارد.^{۱۷۴} ۶. در عقد موقت با پایان یافتن مدت یا با رضایت مرد جدایی قهراً حاصل می شود و نیازی به صیغه طلاق نیست.^{۱۷۵} بنابراین، ازدواج موقت دارای شرایط آسان تری است.

فلسفه ازدواج موقت

پرسش ۳۸. فلسفه تشریح ازدواج موقت چیست؟

بدیهی است؛ انسان ها دارای غرایز مختلفی هستند، که گزینه جنسی یکی از نیرومندترین آنها است و از سوی دیگر طبیعی است که اگر این غرایز اشباع نگردد و پاسخ صحیحی به آن داده نشود و در مسیر سازندگی فردی و اجتماعی مورد بهره برداری قرار نگیرد پیامدهای منفی، چون بی بندوباری جنسی، بیماری های روحی و روانی، خودکشی، قطع نسل و ... را در پی خواهد داشت و از همین رو شارع مقدس، برای جلوگیری از انحرافات اجتماعی و ناهنجاری های جنسی به امر ازدواج جنبه قانونی و شرعی داده است. در مرحله اول، اگر شرایط و امکانات اقتصادی و ... مساعد بود، اقدام به ازدواج دائم نماید، و چنانچه ازدواج دائم به هر دلیلی ممکن نبود ازدواج موقت را پیشنهاد کرده است.

از برخی احادیث نیز استفاده می شود که این قانون در شرایط خاص جنگی و دوری از همسران نهاده شد. چنانچه در صحیح مسلم آمده است:

^{۱۷۴} (۱) منهای الصالحین، سید ابوالقاسم خوبی، ج ۲، ص ۳۰۲ و ۳۰۳.

^{۱۷۵} (۲) با استفاده از رساله های عملیه فقها و تحریر الوسیله امام خمینی، ج ۲، (القول فی النکاح المنقطع).

«... عن قیس قال سمعت عبد الله يقول كنا نغزو مع رسول الله صلى الله عليه و آله ليس لنا نساء فقلنا الا نستخصي فنهانا عن ذلك ثم رخص لنا ان ننكح المرأة ... إلى اجل ثم قرأ عبد الله يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ^{۱۷۶}»^{۱۷۷}؛ «... قیس گفت: از عبدالله شنیدم که می گوید: همراه

رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ بودیم، دور از زنان خود، به پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه داشتیم:

آیا خود را اخته نکنیم؟! پیامبر صلی الله علیه و آله ما را از این کار نهی فرمود و سپس به ما اجازه داد تا برای مدتی زنانی را به نکاح درآوریم. سپس عبدالله بن مسعود، این آیه را خواند: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا برای (استفاده) شما حلال کرده حرام نشمارید و از حد تجاوز نکنید که خداوند متجاوزان را دوست نمی‌دارد».

هم‌چنین در قرآن آمده است:

فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً^{۱۷۸}؛

«زنانی را که مُتعه می‌کنید، واجب است مهر آنان را بپردازید».

این آیه درباره ازدواج موقت است و بنا بر برخی روایات در وضعیت جنگی که مسلمانان از موطن و همسران خویش دور بودند، نازل شده است. اما با استفاده از روایات دیگر به خوبی فهمیده می‌شود که اختصاص به شرایط جنگی ندارد و شامل همه مواردی می‌گردد که مرد، به همسر خود دسترسی نداشته و یا امکان ازدواج دائم ندارد. و یا ضرورت دیگری اقتضاء کند.

در روایتی از فتح بن یزید نقل شده است که از ابا الحسن علیه السلام در مورد متعه پرسیدم، حضرت فرمود: «هی حلال مباح مطلق لمن لا یغنه الله بالتزویج فلیستعفف بالمتعۀ فان استغنی عنها بالتزویج فهی مباح له اذا غاب عنها»^{۱۷۹}؛ «برای کسی که خداوند با تزویج او را بی‌نیاز نکرده است، به وسیله ازدواج موقت پاکدامنی پیشه نماید،

اگر هم به سبب ازدواج از متعه بی‌نیاز باشد، باز متعه گرفتن هنگامی که همسرش از پیش او رفته باشد، برای او مباح است».

هم‌چنین امام کاظم علیه السلام به علی بن یقطین که از آن حضرت درباره متعه پرسیده بود می‌فرماید: «ما انت و ذاک قد أغناک الله عنها ...»^{۱۸۰}؛ «تو را به نکاح متعه چه کار؟! و حال آنکه خداوند تو را از آن بی‌نیاز کرده است».

با ملاحظه این روایات که منحصر در این‌ها هم نیست^{۱۸۱}، دانسته می‌شود که تشریح متعه برای مواقع ضروری و برای کسانی است که عوامل گوناگون آنها را از دسترسی و امکان به ازدواج دائم باز می‌دارند و یا اینکه با ازدواج دائم نیز غریزه آنها مهار و اشباع نمی‌شود. بنابراین تشریح اولیه متعه برای این نبوده است که هوسبازان به صورت گسترده در شهوات و هوی و هوس‌ها غرق شوند، و چنان با این حکم الهی بازی نمایند که دوست و دشمن از آن تنفر پیدا کنند و آن را مساوی با زنا و فحشا بدانند. بلکه هدف از جعل

^{۱۷۶} (۱). مائده (۵)، آیه ۸۷.

^{۱۷۷} (۲). صحیح مسلم، مسلم النیسابوری، مجلدات ۸، ج ۴، ص ۱۳۰، دارالفکر، بیروت.

^{۱۷۸} (۱). نساء (۴)، آیه ۲۴.

^{۱۷۹} (۲). وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، مجلدات ۳۰، ج ۲۱، باب ۵، ح ۲.

^{۱۸۰} (۱). همان، باب ۵، ح ۱.

^{۱۸۱} (۲). برای آگاهی بیشتر ر. ک: همان، باب ۵.

و تشریح ازدواج موقت، حفظ کردن افراد نیازمند از آلودگی به گناه و فحشا است.^{۱۸۲} اینک به برخی از آثار و فواید ازدواج موقت که فلسفه تشریح آن را روشن می کند اشاره می نماییم:

۱. پیشگیری از زنا

وجود و گسترش زمینه های تحریک جنسی در شرایط امروز از یک سو و موانع موجود در راه ازدواج دائم از سوی دیگر مشکل حاد جنسی را برای

جوانان به وجود آورده است، به گونه ای که اگر راهکار منطقی همانند ازدواج موقت نهادینه و فرهنگ سازی نشود، ممکن است جوانان به روابط نامشروع زنا و انحرافات جنسی رو آورند که عواقب ناگواری برای خانواده ها و جامعه انسانی پدید خواهد آورد. از این رو، در حدیثی معروف از امام علی علیه السلام و امام صادق علیه السلام آمده است: «اگر خلیفه دوم از ازدواج موقت نهی نکرده بود، هیچکس زنا نمی کرد؛ مگر شقی و بدبخت».^{۱۸۳}

۲. حفظ ایمان و بندگی

«گناه» اصلی ترین مانع بندگی خداوند متعال و یکی از عوامل بازدارنده، از حق و اخلاق نیک است. از رایج ترین گناهان در میان قشر جوان، مفاسد ناشی از غریزه جنسی است. هیجانات جنسی دوران تجرد، او را از یاد خدا بازداشته، از پذیرش نصایح و موعظه های اخلاقی و بروز آن، در اعمال و رفتار منع می کند. ازدواج موقت این هیجانات را از بین برده یا لاقلاً از شدت آن می کاهد. این جاست که زمان بازگشت به فطرت خداجویی فرا می رسد و زمینه پذیرش اخلاق حسنه مهیا می گردد و لذا ازدواج موقت به عنوان یکی از سنت های الهی همواره مورد تأکید بوده است.^{۱۸۴}

پیشگیری از سوء استفاده جنسی

یکی از مهم ترین غرایز انسانی که در تمامی نوع بشر وجود دارد غریزه جنسی است. استعمارگران و سودجویان، پیوسته به فکر سوء استفاده از

این نعمت خدادادی بوده و هستند. کشور اسلامی «اندلس» با همین شیوه سرنگون شد و به کشور مسیحی نشین «اسپانیا» تبدیل گشت! امروز نیز دولت های استعماری، مردم کشورهای جهان سوم و حتی مردم خود را در فساد غرق نموده و از غفلت به وجود آمده، حداکثر استفاده را می برند! دشمنان کشور ما نیز سال ها است از این حربه برای ضربه زدن به مردم ما سود می جویند که از آن تحت عنوان «تهاجم فرهنگی» یاد می کنیم. در این میان افراد سودجوی فراوانی با راه اندازی شرکت های بزرگ فیلم، عکس و ... به شرافت و عفت انسان ها هجوم آورده و کانون خانواده ها را به اضمحلال سوق می دهند.

بدون تردید در جامعه که مردم به عفت، فضیلت و تقوا ایمان دارند، اگر ازدواج موقت رواج داشته باشد، هرگز جای پای برای مهاجمان فرهنگی و سوداگران عفت و پاکدامنی باقی نمی ماند. در واقع مؤثرترین راه مقابله با «تهاجم فرهنگی» احیای فرهنگ

^{۱۸۲} (۳). ر. ک: جزوه درس خارج فقه، ناصر مکارم شیرازی، ۱۴ / ۷ / ۱۳۸۲.

^{۱۸۳} (۱). وسایل الشیعه، ج ۲۱، باب ۱، ص ۱۱.

^{۱۸۴} (۲). همان، کتاب النکاح، باب ۱۲، از ابواب المتعه.

ازدواج موقت است و بدون این سنت، سایر کارها، آب در هاون کوبیدن است.^{۱۸۵} نتیجه اینکه ازدواج موقت برای جلوگیری از انحرافات و روابط نامشروع تشریح شده است، تا بدین وسیله عفاف و پاکدامنی حفظ شود.

مشروعیت ازدواج موقت

پرسش ۳۹. مبنای مشروعیت ازدواج موقت را با توجه به آیات و روایات بیان دارید.

بدون تردید، ازدواج موقت و یا به تعبیر برخی از کتاب‌های فقهی و قانون مدنی ایران، نکاح منقطع، از ابتدا در اسلام مشروع شناخته شده است و تمام فرق اسلامی، بر جواز آن در صدر اسلام، اتفاق نظر دارند، و تنها اختلاف در این مطلب است که آیا این نوع ازدواج در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله یا بعد از رحلت آن بزرگوار نسخ شده است یا به جواز اولیه خود باقی است؟

برای مثال ابن حزم اندلسی که از فقهای مشهور اهل سنت است در موسوعه فقهی خویش به نام المحلی قبول می‌کند که متعه در آغاز اسلام رواج داشته و مشروع بوده است، اما مانند بقیه فقهای اهل سنت آن را منسوخ می‌داند.^{۱۸۶} مرحوم محقق ثانی نیز می‌گوید: «أجمع اهل الإسلام قاطبةً على أن النكاح المنقطع، و هو نكاح المتعة كان مشروعاً في صدر الإسلام و اتفق اهل البيت عليه السلام على بقاء شرعيته...»^{۱۸۷}؛ «پیروان آیین اسلام تماماً اجماع دارند که نکاح منقطع (متعه) در صدر اسلام مشروع بوده است و اهل بیت علیه السلام نیز بر بقاء جواز آن، اتفاق دارند...».

بنابراین مشروعیت ازدواج موقت مورد اجماع همه علمای اسلام است

و حتی بالاتر از اجماع، می‌توان ادعای ضرورت کرد «چرا که در شیعه ضرورت مذهب و در عامه ضرورت فقه است»^{۱۸۸}.

به عبارت دیگر با مراجعه و تتبع در فتاوی علمای اسلام، برای انسان یقین و اطمینان لازم حاصل می‌شود که در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله، متعه مباح بوده است.

علاوه بر اجماع و ضرورت دین، اندیشه‌ورزان اسلامی، بر جواز (متعه) به آیات و روایات متواتری استناد جسته‌اند که به اختصار به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌گردد:

۱. آیات

ازدواج موقت نوعی از نکاح است و مشمول آیات مطلق نکاح می‌شود، مانند آیه شریفه:

وَ أَجَلَ لَكُمْ مَا وَّرَاءَ ذَٰلِكُمْ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً^{۱۸۹}؛

^{۱۸۵} (۱). برای آگاهی بیشتر ر. ک: روابط پسر و دختر، محمدرضا احمدی و همکاران، قم: نشر معارف، ۱۳۸۶، ص ۱۰۷ به بعد.

^{۱۸۶} (۱). المحلی، ابن حزم اندلسی، ج ۹، ص ۵۱۹، مکتب التجاری، بیروت.

^{۱۸۷} (۲). جامع المقاصد، محقق نانی، ج ۱۳، ص ۷.

^{۱۸۸} (۱). جزوه درس خارج فقه، ناصر مکارم شیرازی، ۱۲۵ / ۱۶ / ۸۲.

«برای شما حلال است که [زنان دیگر را] به وسیله اموال خود طلب کنید- در صورتی که پاکدامن باشید و زناکار نباشید- و زانی را که متعه کرده‌اید، مهرشان را به عنوان فریضه‌ای به آنان بدهید».

با مراجعه به کلمات اصحاب می‌بینیم که (استمتاع)، حقیقت شرعیه برای نکاح موقت است و روایات فراوانی در صحاح اهل سنت و غیر آن وجود دارد

که متعه را به عنوان عقد موقت دانسته، و این آیه را در مورد نکاح موقت می‌دانند: «أخرج الإمام أحمد باسناد رجاله کلهم ثقات عن عنوان بن حصین قال: نزلت آیه المتعه فی کتاب الله و عملنا بها مع رسول الله صلی الله علیه و آله فلم تنزل آیه نسخها و لم ینه عنها النبی صلی الله علیه و آله حتی مات»^{۱۹۰}؛ «این روایت در کتاب مسند احمد که از کتب معتبر عامه است آمده و با صراحت آیه را در مورد متعه می‌داند و ضمناً معتقد است که نسخ و نهی نشده است و این حکم تا رحلت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، باقی بود و ما به آن عمل می‌کردیم».

بنابراین مراد از استمتاع، بیان عقد موقت است، هر چند که برخی از اهل سنت اصرار دارند که معنای لغوی آن، یعنی بهره‌گیری و تلذذ مراد است ولی این‌گونه استفاده؛ اولاً، با ظاهر آیه در تعارض است، زیرا لزوم مهر در ازدواج دائم به مجرد عقد است و نیازی به تمتع و تلذذ ندارد. اما در این آیه پرداخت مهریه را مشروط به استمتاع و بهره‌وری جنسی کرده است، پس مقصود عقد ازدواج دائم نیست.

و ثانیاً با فهم بزرگان اصحاب و تابعین و بالاتر از همه، اهل بیت علیهم السلام به عنوان مفسران اصلی قرآن، در تنافی است. چنانچه یکی از مفسران در این زمینه می‌گوید: بزرگان اصحاب و تابعین مانند ابن عباس مفسر معروف اسلام، ابی بن کعب، جابر بن عبدالله، عمران حصین، سعید بن جبیر، مجاهد، قتاده، سدی و گروه زیادی از مفسران اهل تسنن و تمام مفسران اهل بیت علیهم السلام تماماً از آیه فوق، حکم ازدواج موقت را فهمیده‌اند، تا آنجا که فخر رازی با تمام شهرتی که در روحیه شکاک بودن دارد و به امام المشککین معروف است بعد از بحث

مشروحو، درباره آیه می‌گوید: «ما بحث نداریم که از آیه فوق حکم جواز متعه استفاده می‌شود، بلکه ما می‌گوییم حکم مزبور بعد از مدتی نسخ شده است».^{۱۹۱} و از همین رو، ابن عباس، ابی بن کعب، سعید بن جبیر، و سدید آیه را چنین قرائت می‌کردند: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاْتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً» که به عنوان تفسیر آیه **إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى** تا وقت محدودی را اضافه می‌کردند تا روشن کنند که مقصود آیه، ازدواج موقت است نه دائم.^{۱۹۲} بنابراین جای هیچ‌گونه شبهه باقی نمی‌ماند که (آیه ۲۴ سوره نساء) درباره ازدواج موقت است زیرا تعبیر استمتاع صریح در متعه است. و در فرهنگ قرآنی ازدواج دائم با تعبیر نکاح یاد شده است. لذا در قرائت عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب (این دو صحابی بزرگ) و ...، به عنوان تفسیر، عبارت **إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى** اضافه شده است تا هیچ ابهامی باقی نماند که مقصود آیه، ازدواج موقت است.

۲. روایات

^{۱۸۹} (۲). نساء (۴)، آیه ۲۴.

^{۱۹۰} (۱). مسند احمد، مجلدات ۶، ج ۴، ص ۴۳۶، دار صادر، بیروت.

^{۱۹۱} (۱). تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ج ۳، ص ۳۳۶، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۱.

^{۱۹۲} (۲). التفسیر و المفسرون، محمد هادی معرفت، ج ۱، ص ۵۳۱، جامعه الرضویه، مشهد، ۱۴۱۸ ه. ق.

در خصوص جواز ازدواج موقت، روایات معتبره و متواتر فراوانی داریم^{۱۹۳}.

که هم در کتب شیعه و هم در معاجم حدیثی اهل سنت وارد شده است، و در اینجا تنها به ذکر چند حدیث که هم دلالت بر جواز ازدواج موقت دارد و هم آیه متعه را مورد تفسیر قرار می دهد، بسنده می کنیم:

الف. از امام باقر علیه السلام نقل شده که در پاسخ شخصی به نام عبدالله بن عمیر لیشی در مورد متعه فرمود: «**احلها الله فی کتابه و علی لسان نبیه فهی حلال الی یوم القیامة**»^{۱۹۴}؛ «خداوند آن را در قرآن و بر زبان پیامبرش حلال کرده است و آن تا روز قیامت حلال می باشد».

ب. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «**المتعۀ نزل بها القرآن و جرت بها السنۀ من رسول الله صلی الله علیه و آله**»^{۱۹۵}؛ «حکم متعه در قرآن نازل شده و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله بر طبق آن جاری گردیده است».

ج. روایاتی که با صراحت تمام دلالت دارند که ازدواج موقت در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و زمان ابوبکر و مقداری از زمان عمر معمول و متعارف بوده است:

۱. مسلم از طریق عبدالرزاق از ابن جریح از عطا از جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند که برای بجا آوردن عمره به مکه آمد. نزد او رفتیم و مردم سؤالات چندی پرسیدند. سپس از متعه سؤال کردند. جابر گفت: «آری، ما در زمان پیامبر و ابوبکر و عمر به ازدواج موقت دست می زدیم». نیز از ابن جریح نقل می کند که: «ابو زبیر به من گفت: از جابر بن عبدالله شنیدم که می گفت: ما در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و ابوبکر، با اندک اجرتی زنان را به ازدواج موقت در می آوردیم تا اینکه عمر به خاطر ماجرای عمرین حریت آن را منع کرد».^{۱۹۶} ۲. قال الرضا علیه السلام: «**احل رسول الله صلی الله علیه و آله المتعۀ و لم یحرمها حتی قبض**»^{۱۹۷}؛ «پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج موقت را حلال دانسته و تا زنده بود آن را حرام نکرد».

۳. عبدالله بن عطا مکی از امام باقر علیه السلام راجع به تفسیر آیه قرآن و **إذ أسر النبی**^{۱۹۸} سؤال کرد، حضرت فرمود:

«**فقال: ان رسول الله صلی الله علیه و آله تزوج بالحرۀ متعۀ فاطلع بعض نساءه فاتهمته بالفاحشۀ، فقال، انه لی حلال، انه نکاح بأجل ...**»^{۱۹۹}؛ «این آیه در این مورد نازل شده است که رسول گرامی صلی الله علیه و آله با زن آزاده ای ازدواج موقت نمود، برخی از همسران حضرت وقتی با خبر شدند نسبت ناروا به ایشان دادند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ازدواج موقت خود یک نوع نکاح است که بر من حلال می باشد».

^{۱۹۳} (۳). ر. ک: وسائل الشیعة، حر عاملی، ج ۲۱، مؤسسه آل البیت، بیروت، ۱۴۱۳.

^{۱۹۴} (۱). همان، ج ۲۱، ح ۴، ص ۶.

^{۱۹۵} (۲). همان، ج ۲۱، ح ۵، ص ۶.

^{۱۹۶} (۳). صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۳۱.

^{۱۹۷} (۴). وسائل الشیعة، حر عاملی، ج ۲۱، ص ۸.

^{۱۹۸} (۱). تحریم (۶۶)، آیه ۳.

^{۱۹۹} (۲). وسائل الشیعة، حر عاملی، ج ۲۱، ح ۲۲، ص ۱۰.

۴. ابن بابویه روایت کرده است: «ان علیاً نکح امرأة بالكوفة من بنی نهشل متعة»^{۲۰۰} «علی علیه السلام در کوفه با زنی از طایفه بنی نهشل ازدواج موقت نمود».

۵. ابن اسحاق از زهری از سالم نقل می کند که گفت: «با عبدالله بن عمر در مسجد نشسته بودیم که مردی از اهل شام نزد او آمد و از تمتع پرسید، عبدالله گفت: کاری نیکوست. گفت پدرت از آن منع می کرد. گفت وای بر تو! اگر پدرم از آن نهی کرده، پیامبر آن را انجام داده و به انجام آن هم فرمان داده است؛ اکنون من به سخن پدرم گوش فرا دهم یا فرمان پیامبر را اطاعت نمایم؟! از نزد من برخیز»^{۲۰۱}.

بنابراین اصل مشروع بودن ازدواج موقت در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله قطعی است، که بر این امر، هم آیه داریم و هم روایات و هم سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیه السلام و اصحاب و تابعین، که در کتب شیعه و اهل سنت موجود است. و هیچ گونه دلیل قابل اعتمادی درباره تحریم ازدواج موقت، جز نهی عمر از سوی اهل سنت در دست نیست. و بدیهی است که هیچ کس جز پیامبر حق نسخ احکام را ندارد و تنها اوست که می تواند به فرمان خداوند، پاره ای از احکام را نسخ کند، و بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله باب نسخ به کلی مسدود شده است.

اما احادیث نهی نبوی که مورد استناد قول به حرمت ازدواج موقت قرار گرفته و برخی در صحیح مسلم آمده و اهل سنت از آن به عنوان روایات معتبره یاد می کنند، عبارتند از احادیثی که از سه نفر از صحابه نقل شده است و این رشد اندلسی ادعای تواتر آنها را دارد.^{۲۰۲} ۱. «حدثنا مالک بن اسمعيل حدثنا ابن عيينة انه سمع الزهري يقول أخبرني الحسن بن محمد بن علي واخوه عبد الله أن ابیهما ان علیا رضی الله عنه قال لابن عباس «ان النبی صلی الله علیه و آله نهی عن المتعة...»^{۲۰۳}.

۲. سلمة بن عمرو بن أکوع «رخص رسول الله صلی الله علیه و آله عام اوطاس فی المتعة ثلاثاً ثم نهی عنها»^{۲۰۴}.

۳. سبرة بن جهنی: «عن الربیع بن سبرة عن ابیه ان النبی صلی الله علیه و آله: نهی عن نکاح المتعة»^{۲۰۵}.

اما روایت نقل شده از امیرالمؤمنین علی علیه السلام قطعاً جعلی است. زیرا به گونه متواتر و به طرق صحیح از ایشان روایت شده که شدیداً با منع عمر مخالف بودند و آن را مایه فزونی فحشاء می دانستند.

روایتی که شیعه و سنی از علی علیه السلام نقل کرده اند: «لو لا ما فعل عمر بن الخطاب فی المتعة ما زنی الا شقی آلا شقی»^{۲۰۶}؛ «اگر عمر از متعه نهی نکرده بود جز انسان های شقاوتمند [یا اندکی از مردم] کسی زنا نمی کرد».

^{۲۰۰} (۳). همان، ج ۲۱، ح ۲۳، ص ۱۰.

^{۲۰۱} (۴). التفسیر و المفسرون، محمد هادی معرفت، ج ۱، بحث متعه، به نقل از الجامع الاحکام القرآن، ج ۲، ص ۳۸۸.

^{۲۰۲} (۱). بدایة المجتهد، ابن رشد اندلسی، مجلدات ۲، ج ۲، ص ۴۷، دارالفکر، ۱۴۱۵.

^{۲۰۳} (۲). صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل البخاری، مجلدات ۸، ج ۶، ص ۱۲۹ و ۲۳۰، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۱.

^{۲۰۴} (۳). نقض الوشیعه، السید محسن الامین، ص ۳۷۲-۳۷۷.

^{۲۰۵} (۴). صحیح مسلم، مسلم النیسابوری، مجلدات ۸، ج ۴، ص ۱۳۳، دارالفکر، بیروت.

^{۲۰۶} (۱). شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، مجلدات ۲۰، ج ۲۰، ص ۲۵، دارالإحياء الکتب العربیة.

روایت از سلمه نیز کاملاً بی‌اساس است و نسبت دادن چنین حدیثی به سلمه، افترا بی به یک صحابی جلیل‌القدر بیش نیست. و این در حالی است که روایاتی مبنی بر جواز متعه از ایشان نقل شده است.^{۲۰۷} اما روایت سیره جهنی، راوی از وی کسی جز فرزندش «ربیع» نیست و «ربیع» مورد اعتماد اصحاب صحاح نبوده است.

۳. اما نهی عمر از ازدواج موقت در دوران خلافتش.

آنچه مسلم و قطعی است این است که عمر مانع استمرار جواز متعه در اسلام شد و این عملی حلال بود تا اینکه خلیفه بی‌آنکه از پیش دلیل بر نسخ یا تحریم متعه رسیده باشد از متعه منع کرد، این جمله «متعتان کانتا علی عهد رسول الله و أنا محرمهما، و معاقب علیهما: متعه النساء و متعه الحج»^{۲۰۸}؛ «دو متعه در زمان پیامبر حلال بود و من آنها را تحریم می‌کنم، و هر کس انجام دهد کیفر خواهم نمود، یکی متعه زنان و دیگری متعه حج».

این سخن که ظاهرش به قول ابن ابی الحدید بسیار ناشایست است، توجیهی دارد که فقهاء در آن اختلاف کرده و هر کدام فلسفه خاصی را ذکر کرده‌اند:

۱. فخر رازی در این زمینه می‌گوید: «از ظاهر کلام عمر که می‌گوید من از آنها نهی می‌کنم چنین به دست می‌آید که این دو مشروعیت داشتند

و نسخ هم نشده بودند تا اینکه عمر آنها را نسخ کرد و چیزی که پیامبر آن را نسخ نکرده باشد تا ابد نسخ نخواهد شد»

آنگاه سخن خلیفه را این‌گونه توجیه می‌کند: «منظور عمر این است که من از آن منع می‌کنم چون بر من ثابت شده است که پیامبر آنها را نسخ کرده است».^{۲۰۹} واقعاً نمی‌دانیم فخر رازی منظور عمر را از کجا فهمیده است در حالی که ظاهر کلام عمر، عدم نسخ متعه در زمان پیامبر است.

۲. قسطلانی در شرح خود بر کتاب بخاری، توجیهی بسیار عجیب دارد، می‌گوید: «نهی عمر مستند به نهی پیامبر است که بر دیگر اصحاب پوشیده مانده بود و عمر آن را برای ایشان بیان کرد؛ لذا آنان ساکت ماندند یا با او موافقت کردند».^{۲۱۰} این توجیه نیز جز کلتی‌گویی و تفسیر بدون دلیل نیست. زیرا چگونه ممکن است راویانی مانند علی علیه السلام و جابر و ابن مسعود و ... که پیوسته ملازم پیامبر صلی الله علیه و آله بودند و از بزرگ و کوچک احکام کاملاً اطلاع داشتند، از نهی پیامبر بی‌خبر بمانند ولی فقط جناب خلیفه از آن آگاهی یابد؟!

از این عجیب‌تر سخن قوشجی در شرح تجرید الاعتقاد خواجه نصیر طوسی است. او می‌گوید: «عمر بر روی منبر رفت و گفت: ای مردم! سه چیز در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله حلال بود ولی من از آنها نهی کرده و تحریم می‌کنم و هر کس انجام دهد کیفرش خواهم داد؛ متعه زنان، متعه حج و گفتن حیّ علی خیر العمل».^{۲۱۱} سپس می‌گوید: «این حدیث موجب طعن بر عمر نیست؛

^{۲۰۷} (۲). صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل البخاری، ج ۳، ص ۳۴۵، ح ۴۷۹۵.

^{۲۰۸} (۳). شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، مجلدات ۲۰، ج ۱، ص ۱۸۲، داراحیاء الکتب العربیه.

^{۲۰۹} (۱). التفسیر و المفسرون، محمد هادی معرفت، ج ۱، بحث متعه، به نقل از التفسیر الکبیر، ج ۱۰، صص ۵۴-۵۳.

^{۲۱۰} (۲). همان، ج ۱، بحث متعه، به نقل از: ارشاد الساری بشرح البخاری، قسطلانی، ج ۱۱، ص ۷۷.

زیرا مخالفت ورزیدن مجتهدی با مجتهد دیگر در مسایل اجتهادی بدعت (پدیده نویی) نیست.^{۲۱۱} «جای شگفتی است که مرد دانشمندی چون قوشجی چگونه خود را به نادانی می‌زند و صاحب رسالت را که جز با وحی سخن نمی‌گوید، با فردی از امت همتا می‌گیرد؟! آن هم فردی مانند عمر که بارها و بارها به طور صریح اعلام داشته که همه مردم از او داناترند».^{۲۱۲} بنابراین صراحت کلام عمر جایی برای توجیه و بحث باقی نمی‌گذارد، که تحریم متعه نه از جانب رسول الله صلی الله علیه و آله بلکه از طرف خود عمر صورت گرفته است در این صورت آیا این نوع تحریم، اجتهاد به رأی، مقابله با نص و تجاوز به حریم شرع نیست؟ آیا کار مجتهد، مفتی، قاضی و حاکم، تفسیر قانون و تبیین آن است یا تحریم و تجاوز و دست‌درازی به حریم آن؟

که در فرض اخیر معنای شریعت و فلسفه قانون‌گذاری چه می‌شود؟ در حالی که خود خلیفه دوم، رأی‌گرایان و کسانی که در مقابل نصوص دست به تفسیر می‌زدند را توبیخ کرده و می‌گفت: «از اهل رأی دوری کنید که آنان دشمن سنت هستند و چون نتوانسته‌اند احادیث را فرا گیرند رأی‌گری پیشه کردند و گمراه شدند و مردم را نیز گمراه کردند».^{۲۱۳} حال چگونه است که خلیفه با این صراحت می‌گوید که متعه در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله وجود داشته است و من تحریم می‌کنم؟ این پرسشی است که پاسخ آن را نمی‌توان یافت و آیا بهتر نیست که به جای این همه توجیحات بی‌اساس،

شجاعانه و به دور از تعصبات مذهبی، به روش فرزند خلیفه عمل کرده و خود را از این همه فراز و فرودها برهانیم و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را یک بار دیگر احیا نموده و پیرو پیامبر باشیم؟

چنانچه در سنن ترمذی آمده است که: «مردی از اهل شام درباره متعه از فرزند عمر سؤال کرد و او گفت: «حلال است». شامی گفت: «پدرت آن را تحریم کرده است». پسر عمر گفت: «پدرم تحریم کرده لکن پیامبر صلی الله علیه و آله آن را تجویز نموده است و من نمی‌توانم سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را رها کنم و پیرو پدرم باشم».^{۲۱۴} نتیجه اینکه: جواز ازدواج موقت بر قوت خود باقی است، نه تحریم شده است و نه منسوخ و نه تعارض و تهافت با آیات دارد و نه با روایات، جز اینکه خلیفه ثانی به نظر خودش اقدام به منع نمود هرچند اهل سنت تلاش کرده‌اند منع متعه را به نسخ از جانب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشان دهند و عمر را فقط بازگو کننده معرفی نمایند، ولی همان‌طور که گذشت این تلاش‌ها بی‌فایده است، زیرا صراحت کلام عمر جلوی هرگونه توجیحات را می‌بندد، زیرا گفتار وی صراحت تام دارد که: «من آن را منع می‌کنم» البته شکی نیست که اقدام خلیفه یک حکم شخصی است و چنانچه بتوان راهی بر مشروعیت و صحت این اقدام یافت، باید گفت این اقدام بر اساس مصالح و به طور موقت بود نه شرعی و قابل دوام. همانند منع از متعه الحج، اما جای تعجب اینجا است که فقهای اهل سنت حکم دوم را نپذیرفتند، و حکم اول را هم همچنان ادامه می‌دهند، در حالی که فرزند خلیفه و بسیاری از بزرگان صحابه و تابعان، به نهدی او توجه نکرده، و با شهامت از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله پیروی می‌کردند.

این توجیه که نهدی عمر از متعه حکم حکومتی است و براساس مصالح جامعه آن روز صورت گرفته است، توجیه معقول و قانع‌کننده نیست، زیرا؛ اولاً، از کجا معلوم است که عمر مصلحت واقعی جامعه آن روز را درک کرده باشد چه اینکه شناخت مصلحت آگاهی‌های وسیع و عمیق، هوشیاری و زیرکی فراوان نیاز دارد به فرض که عمر مصلحت واقعی آن دوره را در زمینه تحریم متعه به خوبی تشخیص داده باشد، این حکم موقتی بوده و بعد از انقضای زمان مصلحت باید به حالت اول برمی‌گشت همان‌گونه که در مورد متعه

^{۲۱۱} (۱). التفسیر و المفسرون، محمد هادی معرفت، ج ۱، بحث متعه، به نقل از شرح تجرید، آخر مباحث امامت.

^{۲۱۲} (۲). همان.

^{۲۱۳} (۳). روضة الناظر و جنة المناظر، ابن قدامه مقدسی، ص ۱۵۴، بیروت.

^{۲۱۴} (۱). سنن ترمذی، کتاب الحج، باب ما جاء می‌المتمتع؛ مسند احمد، ج ۴، ص ۴۲۶.

در حج این گونه شد، لذا ضرورتی ندارد که فقهای اهل سنت بر تحریم عمر اصرار ورزند با اینکه می دانند مصلحت جامعه امروزی تقاضای مشروعیت آن را دارد.

نکته جالب توجه آنکه:

اخیراً با توجه به نیازهای اساسی عصر حاضر، علمای سنی در مصر، اردن، یمن، مراکش و عربستان در یک عقب نشینی آشکار در این موضوعات، شیعیان را تأیید کردند. به طوری که قانون جدید خانواده در مراکش، در یک کمیته پانزده نفره، متشکل از علمای آن کشور پس از تعدیلات و اصلاحات، تصویب و در امور و جایگاه زنان تا حدودی به فقه شیعه نزدیک شد. اما به تازگی و سرانجام پس از قرن ها، مجمع فقهی اسلامی (اهل سنت)، وابسته به هماهنگ کننده امور شرعی جهان اسلام نیز موضوع اصلی هجدهمین گردمایی خود در مکه را به مسأله ازدواج موقت (ازدواج مسیاری و ازدواج به شرط طلاق) اختصاص داد و موضوع تعیین یا تغییر جنسیت را برای نخستین بار در تاریخ فقه اهل سنت، مورد بررسی قرار داد.

بنا به نوشته الشرق الاوسط، مورخ ۱۴ آوریل ۲۰۰۶ این اجتماع با توجه به اینکه عملاً ازدواج میسار (موقت) و این گونه مسائل در کشورهای عربی رایج شده این نوع ازدواج یا شبیه آن با اندک تفاوت هایی را رسماً مجاز اعلام نمود.

به تازگی، تعدادی از علمای اهل سنت اعلام کرده اند که خلیفه دوم، سنت خدا و پیامبر را حرام کرده است. در حالی که این حرمت، جایگاه شرعی و قانونی نداشته است. از جمله در کتابی به نام ازدواج متعه حلال است.

صالح وردانی، فقیه سنی سلفی مصری، نوشته است که دلایلی بر تحریم ازدواج موقت و نیز دلایلی بر تأیید آن وجود دارد. اما دلایلی که در تأیید وجود دارند، محکم ترند، زیرا همه آنها به پیامبر صلی الله علیه و آله منسوبند، اما دلایل ابطال، به خلیفه دوم و صحاح سته منسوب هستند. وی در استدلال های خود به فقه شیعه نزدیک شده و به طور ضمنی، احادیث شیعه را در مورد ازدواج موقت صحیح دانسته و ادله فقهایی را که در نسخ آن، سخن گفته اند، با نقد و بررسی فقهی رد کرده است.

فقیه سعودی به نام عبدالمحسن العبیکان نیز در این موضوع با او هم صدا شده و در تأیید ازدواج موقت، حکم صادر کرده است. گزارش کامل این فتوا در الشرق الاوسط ۳۱ مارس ۲۰۰۶ چاپ شده است.^{۲۱۵}

ازدواج موقت و زن خیابانی

پرسش ۴۰. با وجود ازدواج موقت چه امیدی به محکم ماندن روابط زن وشوهر خواهد بود؟ تفاوت ازدواج موقت با زنان خیابانی چیست؟ چه تفاوتی با فحشا دارد؟

اگر درباره تشریح ازدواج موقت، مصالح و ضرورت هایی که در آن لحاظ شده، با دیده انصاف نگریسته شود به این واقعیت اعتراف خواهیم کرد که قانون ازدواج موقت نه تنها هیچ گونه نقص و کاستی ندارد بلکه بهترین و عالی ترین خدمتی است که اسلام برای زن و مرد و بیشتر برای زن انجام داده است، زیرا در دنیایی که آزادی جنسی و فحشاء برای جبران خلاء ناشی از ازدواج داریم تلقی

^{۲۱۵} (۱) برای آگاهی بیشتر ر. ک. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، بحث متعه؛ التفسیر و المفسرون، محمد هادی معرفت، ج ۱، بحث متعه.

می شود، ازدواج موقت همراه با تعهدات حقوقی، اخلاقی و پاک دامنی و در عین سهولت و سادگی در کنار ازدواج دائم و در واقع مکمل آن، بهترین کار ممکن است.

استاد مطهری می گوید: «ازدواج موقت از آن جهت تشریح شده است که ازدواج دائم به تنهایی قادر نبوده است که در همه شرایط و احوال رفع احتیاجات بشر را بکند و انحصار به ازدواج دائم مستلزم این بوده است که افراد یا به رهبانیت موقت مکلف گردند و یا در ورطه کمونیسیم جنسی غرق شوند.

بدیهی است که هیچ پسر یا دختری آنجا که برایش زمینه یک زناشویی دائم و همیشگی فراهم است، خود را با یک امر موقتی سرگرم نمی کند»^{۲۱۶}.

بنابراین، ازدواج موقت یک نوع عقد شرعی است که ویژگی های خود را

دارد و نباید آن را جایگزین ازدواج دائم دانست و همان انتظارات و توقع های ازدواج دائم را از آن داشت.

و اما در مورد زنان کرایه ای در اروپا و زنان خیابانی در ایران می توان گفت:

هر دو غیرمشروع، آسیب رسان و درهم شکننده نهادهای اجتماعی خانواده است. البته زنان خیابانی با زنانی آبرومند که به عقد ازدواج موقت درمی آیند متفاوت هستند و به هیچ عنوان نمی توان آن را با زنان کرایه ای در غرب مقایسه نمود، چرا که عقد موقت از نظر ماهیت همانند ازدواج دائم و یک رابطه تعریف شده توأم با حقوق و امتیازاتی است که زن و مرد با اختیار و اراده شان آن را پدید می آورند و بدین ترتیب عفت و کرامت انسانی خویش را پاس می دارند. اگرچه امروز غرب متعه را ارتجاعی می شمارد و در مقابله با اسلام آن را مورد ایراد قرار می دهند، اما برخی اندیشمندان دنیای غرب، به کمال و برتری قوانین ازدواج و خانواده در اسلام اعتراف می کند و برای سامان دهی نظام خانواده و رهایی از بی بند و باری جنسی، راهکارهای اسلام را پیشنهاد می کند.

از باب مثال «گوستاولوبون» فرانسوی یکی از مزایای آیین اسلام را نوع ازدواج و تعدد زوجات، آن هم به صورت محدود و مشروط راهگشا و نظام مند می شمارد و در قسمتی از اعترافات خود این گونه می گوید: «در غرب هم با وجود اینکه آب و هوا و طبیعت هیچ یک مقتضی برای وجود چنین رسمی نیست، مع ذلک رسم وحدت زوجه رسمی است که ما آن را فقط در کتاب های قانون می بینیم درج است، خیال نمی کنم بشود این را انکار کرد که در معاشرت واقعی ما اثری از این رسم (رسم وحدت زوجه) نیست.

راستی من متحیرم و نمی دانم که تعدد زوجات مشروع مشرق از تعدد زوجات سالوسانه اهل مغرب چه کمی دارد و چرا کمتر است؟ بلکه من می گویم که اولی از هر حیث بهتر و شایسته تر است»^{۲۱۷}.

گفتنی است که صنعت روسپی گری نخستین بار توسط بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و آژانس های توسعه بین المللی آمریکا برنامه ریزی و حمایت شد.^{۲۱۸} در نهایت کار را به جایی رسانده اند که ازدواج را به نوعی، عامل بدبختی زنان دانسته و روابط آزاد جنسی را نشانه استقلال فردی و دوری از اسارت می پندارند.

^{۲۱۶} (۱). نظام حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری، چاپ نهم، دی ماه ۱۳۵۹، ص ۴۷.

^{۲۱۷} (۱). نظام حقوق زن در اسلام (مجموعه آثار ۱۹)، مرتضی مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۷۸، ص ۳۰۵.

^{۲۱۸} (۲). ر. ک: تازه های اندیشه، ش ۲، ص ۴۷.

روشن است که در این نگرش، بازنده حقیقی، زن است چرا که این روند به ضربات عاطفی در محیط خانواده و جامعه منتهی می شود و این به معنای به بازی گرفتن عشق و محبت خانوادگی و تهی کردن هر یک از زن و مرد از خصوصیات فطری و انسانی شان می باشد و بدون تردید نگرانی ها، ناهنجاری های روحی و روانی و اختلالات در شخصیت زنان را چند برابر خواهد نمود.^{۲۱۹} زندگی شایسته انسان، به صورت اجتماعی و در گرو برقراری روابط با یکدیگر است. این روابط، خواه تجاری باشد، یا عاطفی، جنسی و ... زمانی سالم، عادلانه و پایدار خواهد بود که قانونمند باشد؛ وگرنه در معرض هرج و مرج، ستمگری، سست بنیادی و زوال و تعدی به یکدیگر خواهد بود.

در همه مسلک های بشری یا الهی، برای قانون مندی این روابط، مقرراتی وضع شده است. در قرآن مجید نیز به این مهم اشاره شده است^{۲۲۰} تا اصل پیدایش و نحوه این روابط، قابل اثبات باشد و این تعهدات، ضمانت اجرایی یافته، علاوه بر اینکه، نظام اجتماعی را سامان دهد. بنابراین اجرای صیغه عقد، یک علامت و نشانه و وسیله ای برای ابراز خواست های درونی است که نظام اجتماعی آن را به رسمیت شناخته است و پس از اجرای صیغه، علاوه بر تعبد شرعی، اعلام پایبندی به قوانین اجتماعی آن جامعه است. براساس این انگاره، ازدواج دائم یا موقت، تنها با گفتن دو کلمه تمام نمی شود؛ بلکه مقررات و اهداف خاص خودش را دارد که عبارت است از:

۱. زن و مرد در تمام مدت ازدواج در کنار یکدیگر هستند؛

۲. زن بعد از طلاق یا پایان مدت ازدواج موقت، باید عده نگه دارد. یکی از دلایل عده چه بسا این باشد که اگر از مرد اول باردار شده، وضعیت مشخص شود؛

۳. پدر و مادر موظفاند از فرزندی که از ناحیه ازدواج پدید می آید، حمایت کنند؛

شاید برای عده ای، هدف ابتدایی ازدواج دائم ارضای شهوت جنسی باشد؛ ولی غالباً هدف از آن آرامش و تکامل در کنار همسر و تربیت نسل صالح است؛ لذا از نکاح به «عقد» تعبیر می شود.

«عقد» پیمانی دو سویه است که طرفین را به انجام اموری متعهد می کند و برای هر یک حقی را به عهده دیگری می نهد. بنابراین عقد ازدواج، تنها جاری کردن صیغه خاص بر زبان نیست؛ بلکه تعهدی است که از آن صیغه ناشی شده و دو طرف آن را می پذیرند.

بدیهی است اهداف و مقررات یاد شده، در فحشا وجود ندارد؛ و طرفین تعهدی نسبت به همدیگر ندارند؛ بلکه برای هر دو یا یکی از آنان، لذتی زودگذر حاصل می شود و پس از آن هم بدون آنکه وظیفه و تکلیفی داشته باشند، از یکدیگر جدا می شوند! اسلام بیش از هر چیز، می خواهد این روابط را قانون مند کرده و از ظلم و تجاوز و بهره کشی جلوگیری کند؛ بنابراین صیغه و زنا از جهت پیش زمینه ها و پیامدها بسیار متفاوت می باشد.

ازدواج موقت و حقارت

^{۲۱۹} (۳). برای آگاهی بیشتر ر. ک: اسلام، زن و جستاری تازه، علامه سید محمدحسین فضل الله، صص ۲۲۴ به بعد.

^{۲۲۰} (۱). «و زنان شوهردار بر شما حرام است؛ مگر آنها را که از راه اسارت مالک شده اند؛ زیرا اسارت آنها در حکم طلاق است» اینها احکامی است که خداوند بر شما مقرر داشته است. اما زنان دیگر غیر از اینها که گفته شد، برای شما حلال است که با اموال خود، آنان را اختیار کنید؛ در حالی که پاکدامن باشید و از زنا، خودداری نمایید. و زنانی را که متعه از ازدواج موقت می کنید، واجب است مهر آنها را بپردازید. و گناهی بر شما نیست در آنچه بعد از تعیین مهر، با یکدیگر توافق کرده اید! بعداً می توانید با توافق، آن را کم یا زیاد کنید خداوند، دانا و حکیم است.»

پرسش ۴۱. آیا ازدواج موقت مایه حقارت زن نیست؟

ازدواج موقت، نوعی ازدواج است و مسلمانان اتفاق نظر دارند که خداوند چنین قانونی را بر اساس نیازهای فطری و ضروری بشر، در کنار ازدواج دائم وضع کرده است.

چنان که از امام باقر علیه السلام نقل شده که در پاسخ شخصی به نام عبدالله بن عمیر لیشی در مورد متعه زنان فرمود: «احلها الله فی کتابه و علی لسان نبیه،

فهی حلال الی یوم القیامه»^{۲۲۱}؛ «خداوند آن را در قرآن و بر زبان پیامبرش حلال کرده است و تا روز قیامت حلال خواهد بود».

چگونه ممکن است خداوند قانونی را قرار دهد که موجب توهین و تحقیر شخصیت زن شود. در حالی که می فرماید:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ ...^{۲۲۲}؛

«و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم ...».

شخصیت و کرامت زن آن گاه زیر سؤال می رود که به عنوان یک کالا و بدون ضوابط شرعی و قانونی در جهت ارضای غریزه جنسی و هواهای نفسانی استفاده شود، اما در جایی که زن با اراده و انتخاب خودش رابطه ای شرعی و قانونی به نام «عقد موقت» را گزینش می کند و از این طریق آرامش و پایداری معنوی را هم برای خود و هم برای همسرش ایجاد می کند، نه تنها به شخصیت و مقام انسانی او آسیبی نمی رسد، بلکه حیا، عفت، استقلال و جایگاه واقعی او نیز تضمین خواهد شد.

بنابراین، ازدواج موقت از نظر ماهیت، همانند ازدواج دائم است و مهر در حقیقت، همچون ازدواج دائم، هدیه ای است از مرد به زن، بر این اساس، پرداخت مهر، همان گونه که در ازدواج دائم تفسیر ماهیت عقد ازدواج به اجاره و کرایه نیست و با شأن و شخصیت زنان تنافی ندارد، همین قانون در ازدواج موقت نیز جاری است و اینکه در عقد موقت باید مهر ذکر شود و در غیر

آن صورت، عقد باطل است، جنبه حمایتی داشته و از ویژگی های ممتاز ازدواج موقت است، زیرا در ازدواج موقت نفقه زن بر مرد لازم نیست و اسلام می خواهد از این طریق دغدغه اقتصادی زن را تأمین نماید. برعکس زنا و آزادی جنسی که در آن زن بدون ضوابط در اختیار مردان قرار می گیرد و با کرامت، عفت و پاکدامنی او در تعارض است.

البته ممکن است برخی از افراد هوسباز، از این قانون الهی سوء استفاده نموده و به واسطه آن فحشاء و فساد انجام دهند که سازگار با شخصیت و منزلت اجتماعی زن نباشد، اما معقول نخواهد بود که به خاطر سوء استفاده برخی از افراد ناباب، جلو یک قانون الهی و ضرورت اجتماعی را گرفته و آن را در ردیف فحشاء قرار دهند و یا اهانت به مقام زن تلقی نماییم. زیرا چنین سوء استفاده هایی در تمامی قوانین حتی در ازدواج دائم نیز ممکن است صورت بگیرد. در این فرایند بایستی جلو سوء استفاده کنندگان گرفته شود نه اینکه قوانین الهی را تعطیل کرده و آثار و نتایج سوء استفاده کنندگان را به حساب قوانین بگذاریم.

^{۲۲۱} (۱). تهذیب الأحکام، شیخ طوسی، محمد آخوندی، مجلدات ۱۰، ج ۷، ص ۲۵۰، چ چهارم، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵.

^{۲۲۲} (۲). اسراء (۱۷)، آیه ۷۰.

علاوه بر اینکه ازدواج موقت امری جایز است، اما واجب نیست و جواز آن هم به خاطر نیاز مرد و یا زن می باشد. حال چگونه است که اگر این نیاز از راه نامشروع برآورده شود، حقارت زن نیست اما اگر از طریق مشروع و قانونمند انجام پذیرد، حقارت زن است؟!^{۲۲۳}

فرهنگ ازدواج موقت

پرسش ۴۲. اگر ازدواج موقت، یک دستور شرعی است، پس چرا جامعه اسلامی آن را بر نمی تابد و آیا به نظر شما امروزه می توان به آن عمل کرد؟ وظیفه حکومت اسلامی چیست؟

همواره اسلام به ازدواج دائم و به هنگام توصیه کرده است. اما طبیعی است که عواملی گوناگون می توانند موانعی بر سر راه این امر مهم باشند و برخی افراد را در رسیدن به آن، با مشکل و ناکامی مواجه نمایند. در چنین مواردی باید اندیشمندان و بزرگان جامعه به راه حل هایی بیندیشند تا جلوی عوامل خطر سازی که عفت عمومی را خدشه دار می سازند، گرفته و زمینه انواع انحرافات فردی و اجتماعی از بین برود.

ابن عباس می گوید: ازدواج موقت چیزی جز رحمت الهی برای امت اسلامی نیست. و با وجود ازدواج موقت، به جز انسان های شقاوت مند و بدبخت و یا جز تعداد اندکی زنا نخواهند کرد.^{۲۲۴} بنابراین مسئله ازدواج موقت از احکام اسلام بوده و از نظر تئوریک کاملاً پذیرفته شده، و نه تنها در اسلام بلکه برخی از متفکران بزرگ غربی، مانند راسل نیز یکی از راه های حل مشکل ازدواج دائمی دیررس در دنیای کنونی را، پناه بردن به ازدواج موقت می دانند.

به عبارت دیگر متعه نیز نوعی ازدواج است، بنابراین هر کسی از افراد واجد شرایط ازدواج موقت می تواند از شخصی خواستگاری کند و برای مدتی موقت، با وی ازدواج نماید. آنچه در این جا مشکل ایجاد نموده آن است که غالب افراد، ازدواج موقت را با کامیابی آنی اشتباه گرفته اند و همین مسئله سبب شده که این موضوع نتواند در جامعه ما جایگاه حقیقی خود را باز یابد. همچنین علت جا نیفتادن این مسئله در جامعه، تبلیغات سوئی است که بیش از یک قرن در جامعه ما توسط غرب گرایان تأثیر نهاده و در ضمیر مردم رخنه کرده است. به گونه ای که گاه روابط نامشروع با تسامح نگریسته می شود ولی به ازدواج موقت با نفرت. این مسئله از چند جهت دچار مشکل است.

۱. از نظر فرهنگی جامعه ما هنوز ظرفیت پذیرش این حکم الهی را به نحو شایسته پیدا نکرده است.

۲. از نظر بهداشتی و سیستم قانونی، پیش بینی های لازم برای آن صورت نگرفته است.

۳. از نظر حقوقی ساز و کار مناسب برای پیشگیری از سوء استفاده برخی اشخاص هوسران در نظر گرفته نشده است. اما بر جامعه لازم است که در موضع گیری های خود درباره موضوعات گوناگون از جمله عقد موقت، عقلانی و منطقی فکر کند، نگرش و تحلیل آنها بر پایه ایمان و اعتقاد به آموزه های دینی باشد و اجازه ندهد که بازمانده های عادت های جاهلانه که با ایمان و تفکر او سازگار نیست بر رویکرد آنها سایه افکند، اگر چنین شد پذیرفتن

^{۲۲۳} (۱). برای آگاهی بیشتر ر. ک: ترجمه تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، ج ۱۵، ص ۱۹۲۱. و ج ۴ ذیل آیه ۲۴ سوره نساء.

^{۲۲۴} (۱). و قال ابن عباس: «ما كانت المتعة إلا رحمة رحم الله بها هذه الأمة». (خلاصه الإيجاز، شیخ مفید، ص ۲۸). البته در بعضی از نسخ «شفی» آمده که به معنای عده کمی از مردم است.